

در این شماره
دیپلماسی، کشتی جنگی، برای...
توطئه‌های اربابان و ارتجاع...
گزارشهای دهقانی
غدیر خرم
اشعار



فَلَا تَكْفُرْنَا كَمَا كَفَرْنَا بِكَ سُبْحَانَكَ اللَّهُمَّ إِنَّكَ عَلِيمٌ بِغُيُوبِنَا إِنَّكَ عَلِيمٌ بِغُيُوبِنَا

تقدیم به
دانشجویان مسلمانی که بفرمان
خلق مسلمان ایران، با فریاد «الله اکبر»
دژ جاسوسی و توطئه امپریالیسم
آمریکا را فتح کردند، که:
نصر من الله و فتح قریب

چهارشنبه ۲۳ آبان ۱۳۵۸

سال اول شماره ۳۱

بها ۱۵ ریال

انقلاب در انقلاب تا محو نظام امپریالیسم

● امپریالیسم جهانی بسرکردگی آمریکا با قدرت اهریمنی و تجربیات جهانی و عوامل و مزدوران خویش از پایگاههای خود در داخل کشور و در منطقه و از سنگرهای جهانی خویش علیه انقلاب ما وارد نبرد شده است

از آغاز اهمیت این مبارزه و ابعاد تهدید امپریالیسم را درک نکردند و جهت عینی مبارزه با آنرا مشخص نداشتند. اگر پیش از سقوط رژیم مبارزه با امپریالیسم تنها با ابراز نفرت و دادن شعار و لعن و نفرین و جنگ و دندان و خشم و نفرت نشان دادن کافی بود، بعد از فتح سنگر سیاسی دشمن و پیروزی انقلاب و کسب قدرت سیاسی، مبارزه می‌بایست با پایگاههای آن در داخل ادامه یابد. جهت مقدم مبارزه با امپریالیسم در مرزها و درون سرزمین آمریکا نیست، بلکه جهت اصلی در داخل کشور، در پایگاههای اقتصادی، نظامی و سیاسی و در لانه‌های جاسوسی آن متمرکز است. امپریالیسم با تسلط بر اقتصاد ما و با داشتن مزدوران فراوان و با حمایت از عوامل

مرحله دوم انقلاب و به تعبیر امام خمینی، انقلاب بزرگتر و مهمتر هم‌اکنون آغاز شده است، انقلابی که در اصل می‌بایست از فردای سقوط رژیم و فرار شاه آغاز میگشت، و اتفاقاً مردم خیلی زودتر از بسیاری از رهبران، تشخیص این مرحله جدید را دادند و بلافاصله بعد از سقوط رژیم شعار سر دادند که اکنون نوبت امریکاست و این مرحله را اگر درست بنگریم، بسیار دشوارتر از مرحله مبارزه علیه استبداد شاه است. زیرا که امپریالیسم جهانی بسرکردگی آمریکا با قدرت اهریمنی و تجربیات جهانی و عوامل و مزدوران خویش از خویش از پایگاههای خود در داخل کشور و در منطقه و از سنگرهای جهانی خویش علیه انقلاب ما وارد نبرد شده است. مستأفانه مسئولین امور در شورای انقلاب و در دولت

دکتر حساب‌اله بیمان
مباحث ایدئولوژیک

درآمد در برابر کار است، نه سرمایه

● برقراری جامعه توحیدی مستلزم فراهم آمدن شرایط ذهنی است که در آن اعضای جامعه به اصول و نظامات توحیدی آگاه و مؤمن هستند

عامل سودجویی بازار را از روابط انسانی نهی میکند. هرکس در اندیشه کسب سود و منفعت بیشتری است. برای این منظور سرمایه‌دار با احتیاجات ضروری مردم بازی و معامله میکند. قیمت‌ها را بالا و پایین می‌برد، احتکار میکند و عرضه مصنوعی یا کمبود مصنوعی بوجود می‌آورد.

عامل بهره‌وری سرمایه، در بازارهای غیر اسلامی سبب میشود که بی ارزش شود، یعنی انسان بی ارزش شود و همه چیز در خدمت سود و سرمایه درآید. در بازار برای تأمین معاش و کسب درآمد، پول و سرمایه بدمیخورد. کار، هنر و خلاقیت چندان بکار نمی‌آید. در جامعه سرمایه‌داری که مناسبات «بازاری» حاکم است مردم تنها به‌انگاه نیروی کار و خلاقیت خود نمی‌توانند از نعمت‌ها و ترفه‌ها بهره‌مند شوند. این نعمت‌ها نصیب کسانی میشود که پول و سرمایه دارند. امام علی (ع) در باره عملکرد این نوع بازار است که میفرماید: «مناسبات بازاری» در بازارها پیا می‌دارند و مردم را از تولید با دست‌هایی نیاز میکنند و نعمت‌ها بدست غیر خودشان (بولداران) می‌رسد.»

در مناسبات بازاری چون پول و سرمایه اساس ارزش و مبادله است، هر اندازه پول بیشتر باشد سود و بهره بیشتری بدست می‌آورد، هر اندازه سرمایه مدت طولانی‌تر در جریان باشد سود زیادتری نصیب می‌برد. در معاملات مدت‌دار و نسیه چنانکه گفتیم قسروندند قیمت بیشتری مطالبه میکنند و سیای استتلال وی در اینباره بهره‌وری است که در این مدت به سرمایه تعلق می‌گیرد. با تضمین‌های جدی و مطمئن که میگیرند احتمال سوخت سرمایه منتفی است. حتی احتمال از بین رفتن اصل مال هم نمی‌تواند دلیل اخذ قیمت بیشتر و بهره سرمایه شود.

بقیه در صفحه ۲

پس از استعفای دولت اکنون چه باید کرد؟

کابینه مهندس بازارگان استعفا کرد عدم هماهنگی بین ارگانهای انقلاب، فقدان مدیریت واحد و انتقادات و مخالفتها به عنوان دلایل استعفا ذکر شده‌اند. ولی تردید نیست که علل پدید آمده تنها معلولهای عوامل ریشه‌ای هستند که اگر بازگو و معرفی نشوند، مشکلات و نابسامانیها به‌قوت خود باقی می‌مانند. دولت موقت انقلاب در کار خود به‌ین‌بست رسیده بود و در چارچوب پیش‌فکری و مشی سیاسی که دنبال می‌کرد، راهی برای خروج از ین‌بست وجود نداشت. نفس وجود دشوارها که در پی هر انقلابی طبیعی و قابل پیش‌بینی است نمی‌تواند دلیل منطقی شکست تلقی شود، بلکه نحوه برخورد با مشکلات و حل تضادهای است که برای یک انقلاب تعیین کننده است. برای توضیح عوامل شکست دولت موقت باید چند گام به عقب بازگردیم و انقلاب را بعد از فرار شاه در برابر مسئولینهای مرحله تازه‌اش در نظر بگیریم.

بقیه در صفحه ۶

گزارش کوتاهی از کارگاه متر و تهران

● کارفرمانگ می‌داند که از طرف شورا یک نظر اصلاحی را بپذیرد

در این هفته گزارشی داریم از کارگاه متر و تهران که در تهیه‌های عباس‌آباد واقع است. کار متر و در دست راه‌آهن شهری تهران و حومه قرار دارد و مشاور آن، مهندسین شرکت سوفلوف فرانسوی است. پیمانکار آن شرکت پلسنگ ستنج و مدیر عاملش مهندس موسی زهرتی است. رئیس کارگاه مهندس فرخ کوچک شوشتری که در ضمن یکی از سهام‌داران می‌باشد و همچنین از دیگر سهام‌داران آن میتوان از مهندس بنی‌فضل - و نوق - بورشیرازی نام برد.

اضافه‌کار بدون مزد

کار اصلی کارگاه از یکسال و نیم پیش شروع شده و تعداد کارگران در سال اول حدود ۵۰۰ نفر بوده که در حال حاضر به ۴۰۰ نفر تقلیل پیدا کرده است. دست‌مزدها با توجه به هزینه‌سخت زندگی تغییر چندانی نیافتاده حقوق کارگر ساده روزی ۶۴ نام برد.

یاد شهید راه آزادی دکتر سید حسین فاطمی

در تاریخ روشن سحرگاه نوزدهم آبانماه ۱۳۳۳ گلوله امپریالیست‌ها، بدست دژخیمان رژیم مغفور بهلولی، سینه رادردی را شکافت که او را بر روی برانکاردی به‌قتلگاه آوردند و در حالیکه از تسب می‌سوخت، زیرلب زمزمه میکرد که «الموت اولی من رکوب العار» مرگ برتر و والاتر از سوار شدن بر مرکب راهوار ننگ و عار است. او، دکتر سید حسین فاطمی بود، یار وفادار مصدق، رهبر نهضت ملی ایران، یار وفاداری که رهبر مصدق

بقیه در صفحه ۳

خشم انقلابی در برابر محافظه‌کاری

آینده مبارزه ضد امپریالیستی و چگونگی نابودی، یا بازآوری آن در اصول و چگونگی قانون اساسی مشخص و معین می‌شود.

شعارها چه معنایی در بطن خود داشت که آنها را به‌مقابله با مزدوران امپریالیسم و سرمایه‌داران خونخوار کشاند؟ شهیدان انتظارشان از وارثین انقلاب جز این نبود که تمام راهها و روشها به‌قطع وابستگی‌های سیاسی - اقتصادی و فرهنگی از امپریالیسم منجر شود و به‌معنای واقعی نه در حرف، بلکه در عمل به‌استقلال برسیم. اما مستأفانه پس از پیروزی انقلاب، نحوه برخورد دولت موقت با مشکلات و دشواریهای که در سر راه داشت، نه به‌نمایش یک برخورد انقلابی که اساساً در چهارچوب یک دید رفرمیستی و محافظه‌کارانه صورت گرفت. بطوریکه در عوض قطع این وابستگی‌ها و استعمار زدائی و تصفیه عناصر مزدور و سرمایه‌دار که طی سالهای دراز برگرده این توده‌های مستضعف سوار بودند، ما شاهد طی شدن جریان و مسیری بودیم که در دست در جهت تثبیت مواضع گذشته و تحکیم مناسبات پیشین‌جا سربوش و لعابی از اسلام بود.

تمام ارگانها و نهادهای انقلاب تقریباً بدون کترین تغییری دست نخورده باقی ماندند و راه نفوذ عناصر مفسد و سرمایه‌دار و ارتجاعی هموار گشت، بطوریکه میرفت تا یک به یک مواضع خود را قبضه کند و مسیر انقلاب را در جهت منافع خود سوق دهند.

آگاهی توده‌ها

در طول هفت ماه پس از پیروزی انقلاب، دولت موقت در چهارچوب «عکس‌العمل» خود را به‌پیش راند و آغازگر هیچ حرکت و عمل انقلابی نبود. در اینجا این سازمانهای مسترقی، گسروها، توده‌های آگاه و... بودند که فشار را هر لحظه بر

بقیه در صفحه ۶

بحران کشاورزی ایران و راه خروج از آن

● کشورهای عقب نگه‌داشته شده، بخاطر بهره‌مند بودن از مواد خام و نیروی کار ارزان، جولانگاه خوبی برای سرمایه‌داران غربی است.

برای درک علل پیدایش بحران کشاورزی در ایران، باید گریزی زد به‌سالهای ۴۰ و اصلاحات ارضی شاه که بفرمان امپریالیسم آمریکا صورت گرفت، و اما خود اصلاحات ارضی، در چهارچوب کلی گسترش استعمار نو، براساس جهان، معنی میشود. اصولاً ثبات اقتصادی کشورهای امپریالیستی غرب، در گرو سرمایه‌گذاری در خارج از مرزهای خودشان است، چرا که سود کلان ناشی از سرمایه‌گذاری در کشورهای در حال توسعه، آن کشورها را از بحران اقتصادی و شرکتهای غربی را از ورشکستگی نجات میدهد. کشورهای عقب‌نگه‌داشته شده، بخاطر بهره‌مند بودن از مواد خام و نیروی کار ارزان، جولانگاه خوبی برای سرمایه‌داران غربی است، از اینرو، استعمار، با حمایت از حکومتهاى ارتجاعی، محافظه‌کار و ضد مردمی در این منطقه از جهان، امنیت سیاسی را جهت سرمایه‌گذاری فراهم میکند. سرمایه‌های غربی، در کشورهای عقب‌نگه‌داشته شده، معمولاً در زمینه صنایع استخراجی، نظیر نفت، مس و صنایع مستتاز نظیر اتومبیل‌سازی، تلویزیون‌سازی و... بکار می‌افتند. این گونه سرمایه‌گذارها، اساساً کمکی به‌صنعتی شدن واقعی کشور میزبان نکرده و تنها در جهت خواسته‌های شرکتهای چندملیتی و در چهارچوب تقسیم کار جهانی امپریالیستی حرکت میکنند.

در رابطه با موضوع بحث (بحران کشاورزی ایران)، دو ویژگی مهم این گونه سرمایه‌گذارها را باید از نظر بگذرانیم:

۱ - سرمایه‌داری وابسته که معمولاً در جهه صنایع مستتاز و صنایع استخراجی، دیده میشود، برای کسب سود هرچه بیشتر، در جستجوی نیروی کار و مواد خام ارزان است. سرمایه‌های خارجی که به‌سایگاه خود را، سرمایه‌داری وابسته میدانند، برای فرار از نیروی کار گرانبه‌تر در کشورهای صنعتی غرب و دستیابی به مواد خام ارزان در جهان سوم، از صنایع وابسته در این کشورها، حمایت میکنند. از اینرو امپریالیسم، با اجرای

بقیه در صفحه ۵

نابودباد امپریالیسم آمریکا، دشمن اصلی خلقهای جهان

بقیه از انقلاب در انقلاب

منافق و فرصت طلب و مرتجع و بسا داشتن پیوند در مناسبات درونی ارتش و وابستگی نظامی و بسا داشتن مناطق نفوذ سیاسی و نظامی و اقتصادی در منطقه و با برخورداری از حمایت حلقه‌ی زنجیر ممالک استعماری و وابسته به استعمار در سراسر جهان. از قدرت مانور و عملکرد وسیعی برخوردار است. امپریالیسم آمریکا از طریق دامن زدن به تفرقه‌ها و جنگهای داخلی و اختلافات تومی و مذهبی زمینه‌های ذهنی جنگ داخلی را فراهم آورد و کردستان را بخاک و خون کشید و هر جا را مستعد یافت تحریک به آشوب و اغتشاش کرد. امپریالیسم با کمک سرمایه‌داری وابسته به خود، بحران اقتصادی و بیکاری را بوجود آورد تا مردم را در تنگنای فقر اقتصادی و تورم و محرومیت بگذارد. تازمینه برای اعتراضات گسترده و دستجمعی و اعتصابات و تظاهرات و آشوب و اغتشاش فراهم شود. آمریکا قادر است از ورود مواد اولیه و ابزار و قطعات یدکی و کالا و گندم و دیگر مواد مورد نیاز و اسلحه به ایران جلوگیری کند، آمریکا می‌تواند از متحدین خود بخواهد تا ایران را تحریم اقتصادی کنند و در محاصره قرار دهند، می‌تواند بوسیله متحدین خود در منطقه دست به تحریکات وسیعی علیه ما بزند و می‌تواند مسأله را به مجامع بین‌المللی و شورای امنیت بکشاند و می‌تواند بسبب تهاجم گسترده تبلیغاتی در سراسر جهان علیه انقلاب ایران اقدام کند و سرانجام تهدید به دخالت نظامی و حتی در موقعیتی خاص به‌آزمایش دست بزند و طرحهای تجاوز کارانه‌ای را پیاده و به مرحله اجرا بگذارد.

همه اقدامات فوق در ید قدرت امپریالیسم بر قدرت و بر کینه و جنایتکار آمریکا هست، اما در مقابل مادر ظاهر ملت کوچک و ضعیف و بی اسلحه و پول و زوری هستیم که قاعدتاً باید یک لقمه خام دشمن غول پیکر بشویم، آمریکا آرزو داشت مسأله در همین حد و اندازه ساده بود، لکن بیچیدگی کار و دیوانگی و جنون آمریکا معلول این واقعیت است که ایران لقمه کوچک ولی گلوگیر است. خلقی است که اسلحه مدرن ندارد ولی به اسلحه ایمان و اتحاد مجهز است. در این مبارزه سهمگین و سرنوشت‌ساز بین دو نیروی نامتعادل یک ابرقدرت و یک ملت کوچک ما پیروز خواهیم بود. بسبب شرط، یک شرط بسیار مهم و حیاتی و آن استحکام و انسجام جبهه درونی است، اگر جبهه خلق تحت رهبری واحد امام از آگاهی، انسجام پیشین و قاطعیت و شعور انقلابی بهره‌مند باشد، اگر همه نیروهای انقلابی دست بدست هم جبهه داخلی را از وجود سز دوران دشمن پاک کنند و بر ستون پنجم آن ضربات مهلکی وارد آورند، اگر اهرم اقتصاد جامعه را از دست سرمایه‌داران دلال صفت خارج ساخته بدست رهبری انقلابی و تسوده‌های کارگر بسپاریم، اگر عوامل مرتجع‌ساز شکار و منافقان و فرصت‌طلبان را نزد خلق رسوا و از صفوف انقلابیون اخراج کنیم، اگر ارتش و سازمانهای دولتی را از عناصر نامطلوب و مقررات و مناسبات استبدادی و استعماری پاک و تصفیه نماییم و اگر اتحاد اقوام مختلف را با دادن حق تعیین سرنوشت در چارچوب ایران آزاد و انقلاب اسلامی تأمین کنیم و هر چه زودتر به جنگ و برادر کشی در کردستان پایان دهیم، اگر با بنی ممالکپنهانی فئودالی، دهقانان را صاحب زمین و کشت خود

ساخته نیروهای آنها را آزاد و در خدمت انقلاب و بسازسازی کشاورزی کشور بکار گیریم، اگر با خلع ید از سرمایه‌داری وابسته و خیانتکار، هم اقتصاد کشور را مستقل و هم کارگران را از قیود استعماری آزاد سازیم، اگر شورای انقلاب با تغییراتی در درون به وحدت و انسجام در یک پیشین مکتبی و شیوه عمل انقلابی دست یابد و با برنامه‌های خود، قاطعیت لازم را در اجرای طرحهای انقلابی و محور بایگامهای امپریالیسم در داخل بکار ببرد و اگر شورای انقلاب برخلاف گذشته بکوشد تا زمینه را برای اتحاد و

همکاری عناصر مؤمن و نیروهای وفادار به انقلاب مساعد سازد و به بسیج تمامی خلق در امر مبارزه علیه امپریالیسم و بسازسازی انقلابی اقتصاد کشور اقدام کند، اگر با تنگ نظریها و انحصار طلبیها مبارزه کند و خود پیشقدم امر وحدت و تساهل و مناسبات برادرانه و اسلامی گردد، اگر جلوی اقداماتی که سبب دور کردن مبارزان صادق و جوانان و روشنفکران واقعی می‌شود، بگیرد و بسر عملکردهای ارتجاعی و لیبرالیستی هر دو خط بطلان بکشد، اگر امر مبارزه با استعمار را جدی تر گرفته، راه را برای آغاز یک دوره صبر و تحمل انقلابی و کار و سازندگی و قناعت و مصرف کم و کار زیاد در شرایطی آزاد از تحمل عقیده و آزاد از قید استعمار و وابستگی به استعمار باز کنیم و مبارزه علیه امپریالیسم را با یک انقلاب در بسازسازی جامعه همراه سازیم، اگر برخلاف سیاست و روش لیبرالها برای حل مشکلات اقتصادی - سیاسی در درجه اول به همت و اراده و قدرت خلافت تسوده‌ها اعتماد و تکیه کنیم و اگر برای تحقق این منظور صمیمانه نظام شورایی را با مستحوی اصل آن در تمام سطوح جامعه پیاده نسازیم، اگر رادیو و تلویزیون از وابستگیهای شخصی و گروهی آزاد و مستقل در خدمت هدفهای انقلاب و مکتب قرار گیرد و نقش حساس و تعیین کننده خود را در آموزش و هدایت تسوده و در رسوا کردن دشمن، در معرفی خدمه‌ها و نسرینگیهای استعمار، در دادن رهنمودهای سیاسی و مکتبی به خلق برای بعهده گرفتن وظائف تاریخی خود در مساعد کردن زمینه وحدت اصولی همه نیروها و در دادن معیارهای اصیل مکتبی، در دادن روح و بینش انقلابی و سوق دادن جامعه بطرف یک انقلاب فرهنگی، در تعلیم دادن تسوده به انجام درست رسالتهای خود، در بسازسازی کشور و تحمل صبر انقلابی بر عهده گیرد و انجام دهد، آنگاه می‌توان مطمئن بود که جبهه خلق در مبارزه با امپریالیسم جهانخواه آمریکا دارای استحکام و انسجام تزلزل ناپذیر است، می‌توان مطمئن بود که خلق، یکپارچه در سخت‌ترین شرایط با هر چه در اختیار دارد از سرزمین و انقلاب و ایمان و خونهای شهیدان خویش دفاع خواهند کرد و یک لحظه رهبر خود را در این نبرد سرنوشت‌ساز تنها نخواهند گذاشت و مبارزه را تا پیروزی نهایی یعنی قطع کامل نفوذ و سلطه استعمار و کسب آزادی، استقلال و استقرار نظام قسط اسلامی ادامه خواهد داد.

حتی اگر در این راه دهها هزار شهید دیگر تقدیم تاریخ سراسر خون و شهادت خود نماید و سالها مجبور به تحمل گرسنگی و محرومیت و جنگ و جهاد باشد، که در این تردید نیست که پیروزی از آن ماست، و شکست و شنگ نصیب دشمنان.

انشغال لانه جاسوسی آمریکا توسط فرزندان خلق و تأیید امام خمینی رهبر انقلاب از این اقدام جسورانه ضربه سختی بر غرور امپریالیسم آمریکا وارد ساخت، بطوریکه اکنون چون گاو وحشی زخم خورده بسخود می‌پیچد، راهی برای انتقامجویی می‌جوید، برای انقلاب ما مبارزه با امپریالیسم حتی در صورت تحویل شاه به‌آگاههای انقلابی خلق پایان نمی‌یابد، این آغاز مبارزه است هم‌چنانکه از دیرباز گفتیم و درخواستهای

دانشجویان ما هم منعکس است، این مبارزه باید تا محور سرمایه‌داری وابسته و تا تصفیه کامل ارتش و سازمانهای دولتی و سرکوبی جاسوسان و مزدوران ادامه یابد. از این رو ما گام به مرحله بزرگی از مبارزه بر حق خود گذاشته‌ایم و حتی ممکن است ما را تا آنجا پیش برد که ناچار شویم دست به اسلحه برده در برابر توطئه‌ها و هجومهای نظامی دشمن ایستادگی نماییم.

از اینرو وظیفه بسیار حساس و دشواری به‌شورای انقلاب محول شده است، وظیفه‌ایکه درخور ظرفیت پیشین آن نیست و امید که با درک حساسیت، موقع و اهمیت مبارزه‌ای که در پیش است، گامهای ضروری که بر شمرده‌ایم سرعت برداشته شود.

شدند شرایط موجود را بپذیرند، و در خدمت مالکان و سرمایه‌داران درآیند. از آن پس ائمه راستین اسلام در برابر موقیت دشواری قرار گرفتند، از یکطرف باید اصالت مکتب را حفظ کنند، اصول آنرا آموزش داده از دستبرد حکام و ترولندان مصون نگاه دارند، از طرف دیگر بیرون و شیعیان خود را در زندگی روزمره راهنمایی و هدایت کنند. احکامی که در این دوران در پاسخ مشکلات و مسائل اقتصادی، سیاسی و اجتماعی مردم صادر میکنند، دارای دو جنبه است: یکی بیان اصل حکم که منطبق با مبانی مکتب است و یکی ارائه راه‌حلی متناسب با شرایط زمان و اجابراهی اجتماعی - اقتصادی.

از اینرو می‌بینیم امام در حل مشکل زارعی که ناچار است روی زمینی که در مالکیت خودش نیست و به‌ارباب قدرت تعلق دارد، کار کند و سهمی از محصول به عنوان سهم مالکانه بپردازد و با مجبور است محصول را بین عوامل مختلف آب، بذر، گاو، زمین و کار تقسیم کند در حالیکه از لحاظ مکتبی محصول کلاً متعلق به‌زارع است و او نباید سهمی از آنرا به مالک آب، زمین و یا گاو بدهد، اما اگر بخواهد بر طبق معیارهای مکتبی رفتار کند از زمین رانده و از حق کار و معیشت محروم میشود، امام ضمن توضیح اصول مکتب به‌آدستور میدهند سهم مالک را از محصول کار خویش جدا کنند زیرا مالک حقی در آن ندارد - بلکه همان مقدار که باید به مالک بدهد از جای دیگر تهیه کند و به مالک بدهد تا دهقان همیشه بیاد داشته باشد که مالک حقی ندانسته و سهمی نمی‌برد و آنچه میگردد غصب است و ناشی از زور و سلطه و... و در اولین فرصت که توانائی یافت باید خود را از زیر بار این تحمیل آزاد کند.

بر اساس همین ضرورت در چارچوب مناسبات بازاری و سرمایه‌داری هم امام احکامی از این قبیل صادر میکند. از جمله به‌شخصی که مجبور است با خرید و فروش بپراهن زندگی کند اما با توجه به اصول مکتب حق ندارد در معاملات سودی ببرد، اما زندگی وی چنان تنگ و نوام با فقر و ناداری است که چاره‌ای ندارد، امام

بتصور ما در میان فوریت‌ها قبل از هر چیز حل سریع بحران کردستان با اعطای حق اداره امور داخلی به برادران کرد در ایران متحد و جمهوری واحد اسلامی، قرار دارد. با اینکار که بسنایی در مورد سایر استانها هم از طریق نظام شورایی پیاده می‌شود، اتحاد همه نیروهای خلق تضمین و مرزهای ما در برابر تحریکات دشمن و جبهه داخلی در برابر مزدوران و منافقان مستحکم و منسجم میشود.

در ضرورت بعدی چنانکه گذشت ایجاد زمینه برای همکاری و اشتراک عمل همه نیروهای مؤمن به انقلاب اسلامی در یک جبهه متحد، علیه امپریالیسم برهبری امام خمینی است. و ضرورت بعدی تکمیل و اجرای طرحهای انقلابی و ضربتی با قاطعیت تمام است و ضرورت مهم بعدی ایجاد شرایط مناسب جهت تجدیدنظر و اصلاح بعضی اصول قانون اساسی بنحویکه نظر اصولی مستقدان مسلمان را جلب کند و انتقادات موجود نسبت به آن مرتفع گردد.

ده ماهی که از سرنگونی رژیم گذشت، یک فرصت طلایی برای اجرای برنامه‌های فوق بود، زیرا در روزها و ماههای نخست زمامداری لیبرالها، شور و احساس انقلابی خلق در سطح بسیار بالایی قرار داشت عوامل دشمن و منافقان، مرعوب و همه کس آساده فداکاری و مقاومت و صبر انقلابی بودند. برای کارگران ما مسایل رفاهی مطرح نبود و فرصت طلبان در ادارات و خارج از آن خاموش و مرعوب بوده‌اند.

امکان تداوم انقلاب بخصوص برای ایجاد تغییرات در بنیاد اخلاقیات و روحیه و طرز فکر مردم وجود داشت. به آسانی میشد تفاوت حقوق و مزایا را بسین گروههای مختلف مزدبگیر تا سطح معقولی کاهش داد و با تکیه بر انگیزه‌های اجتماعی و مذهبی برای فداکاری در راه بسازسازی انقلابی جسمانه جلوی ظهور و رشد انگیزه‌های شخصی،

اینکه بسیاری بی‌توجه به عمق و ماهیت ایندسته احکام، آنها را وسیله توجیه، کلاه شرعیهای فراوان قرار داده، مناسبات باطل بازار و سرمایه‌داری را به‌غیال خود مشروعیت بخشیده‌اند و این احکام را دلیلی برای صحت اقتصادی بولی و سرمایه‌داری تلقی کرده‌اند. معامله بول با بول به‌عنوان بیع، یعنی خرید و فروش اسکناس تحت عنوان فروش یک کالا یا معامله ربوی مدّت‌دار با اضافه کردن یک کبریت و دهها دوز و کلک دیگری که در مناسبات بانکی، بولی و بازاری رایج و حکمفرماست، هیچکدام با ضوابط مکتبی و با روح اجتهاد و حکم امام سازگاری ندارد. امام تصریح میکنند که آن معامله مکتبی نیست و باطل بودن آنرا در ظاهر حکم جاری میکند تا هیچیک از دو طرف تصور نکنند معامله‌ای اسلامی انجام داده‌اند و حکم را در موارد اضطرار که مردم برای ادامه حیات و تأمین مایحتاج اولیه بچاره‌ای جز تن‌دادن به اجبارهای حاکم ندارند صادر میکنند نه برای کسانیکه می‌خواهند در معامله

سودجویانه و مادی را گرفت متأسفانه سیاست لیبرالها در اداره مملکت موجب شد، انگیزه‌های اخیر به‌زیان محرکهای اجتماعی در بین کارمندان و کارگران رشد کنند. دادن پادشاهای مادی و اضافه حقوق کار را خراب کرد و بدنبال آن قشرهای مختلف کارگران و کارمندان بدنبال کسب امتیازات تازه مادی برآه افتادند، بطوریکه کارگرانی که حاضر به هر گونه فداکاری برای انقلاب بودند، از انجام کار در روز پنجشنبه ناراضی بنظر می‌آیند، در شرکت نفت که دارای ویژگی خاصی است و معیارهای مادی و رفاهی و اختلاف و تبعیض و انگیزه‌های شخصی بشدت حاکم است، امر پیشبرد انقلاب و تغییر مناسبات با دشواری و بسچیدگی خاصی مواجه شده است.

سرمایه‌داران، فئودالها و شیوخ و متنفذین محلی، توسط مقامات دولتی تقویت شدند، اینهمه امکان آغاز یا ادامه انقلاب فرهنگی را غیر ممکن ساخت - اکنون جز توده‌های محروم و جوان شهری و بخش عمده‌ای از کارگران، روحیه انقلابی در بین قشرهای کارمند و کاسب و بازاری کمتر به‌چشم می‌خورد، سودجویی بر اعمال بسیاری از افراد و قشرها حاکم است. رابطه و پیوند مردم با انقلاب محدود به پیوند با امام شده است. یعنی هیچیک از ارکانهای انقلاب و سازمانهای مسئول، رابطه‌ای عمیق و پیوندی صمیمانه و متقابل با تسوده را ندارند و این حقیقت بسیار تلخ و دردناک است و نشان میدهد که فقدان احتمالی، رهبر در شرایط حاضر تا چه اندازه برای تداوم انقلاب و حفظ پیوند خلق با ارکانهای مسئول خطرناک است.

محبوبیت رهبری
مسئولین امور در شورا و دولت و **بقیه در صفحه ۴**

دهها و صدها هزار تومان سود ببرند و با اینحال معامله را شرعی معرفی کنند.

اگر امام به‌زارع اجازه میدهد در زمین مالک کشت کند و سهم مالکانه را از غیر محصول کار خود بپردازد، عمل دهقان را مشروع کرده اما کار مالک همچنان نامشروع و بهره‌ای که میبرد باطل است. اگر محتهدی به‌فردی که برای کسب و کار و بسا ساختن یک اطای محتاج بول است و ناچار از قرض گرفتن و در جامعه سرمایه‌داری حاکم برای بدست آوردن این بول راهی جز برداخت ربیع آن ندارد - به‌صورتی به‌آوا اجازه بدهند برای رفع اضطرار قرض کنند، معنایش این نیست که قرض دهنده هم اجازه داشته از مفروض بهره بگیرد. شما حکمی از ائمه نمی‌بینید که مالکان و سرمایه‌داران را در زورگویی و غصب اراضی و اخذ بهره و سود سرمایه مجاز کرده باشند - بلکه آنان راه‌حلهای برای مؤمنان محروم، و شیعیان خود که در حال مبارزه با نظام

● ربا تنها آن نیست که پول قرض می‌گیری و مبلغی بیشتر پس میدهی که این نوع ربا راه‌همه می‌شناسند و مخفی شدنش نیست. انواع دیگر حیلها و کلاههای شرعی و عرفی است که ربا را مخفی می‌کند

حاکم بودند و اعضای حزب انقلابی محسوب میشدند. ارائه میدهند. آنها مطمئن هستند که بیرون مؤمنان جز به ضرورت و ناچارگی تن به ظلم نمی‌دهند. این قسمت از فرمان علی به یکی از فرماندارانش مؤید این ادعاست. «... بدان که برای ملوک اطرافیان و محرمانی است که اسوال را سلک خصوصی خود کنند و دست‌و‌پا‌زی و بی‌انصافی می‌کنند تو علت اصلی چنین خیرهایی را قطع کن تا ریشه کمک‌دهنده به آنها را بریده باشی - به‌هیچیک از اطرافیان و طرفداران خود زمینی را بملکیت نده - هیچ قراردادی را اجازه نده بسته شود که به‌ضرر مردم باشد در حق آب یا کنار مشترک که زحمتش برای غیر آنها باشد و سود و گوارایی آن برای آنها و نه برای تو در صورتیکه عیب آن در دنیا و آخرت بر توست.»

بعد اجتماعی قیام بپایم مبارزه با این مناسبات ظالمانه و استعماری و برقراری نظم نوین تسویدی **بقیه در صفحه ۴**

دروود بر امام خمینی رهبر انقلابی توده‌های مستضعف ما

توطئه‌های اربابان و ارتجاع علیه کشاورزان مازندران

مورخه ۱۱/۶/۵۸ هجرت شورای پنج نفری شهرستان ساری حکمی را بسطع سرنگ لنگری (از جانشینان رژیم گذشته) در مسزعه ۹ هکتاری سوته فرح آباد صادر نموده است. و این حکم بدین صورت بود که زمین در اختیار سرنگ لنگری قرار گیرد و سرنگ لنگری با تشخیص کارشناس هزینه محصول را به کشاورز برآورد کشاورزان پس از برداشت محصول، لوبیایی روغنی کشت نموده بودند و گروهان جوانان مازندران هم عازم اجرای حکم بودند که به محض رسیدن به محل دستور دادند که دور تا دور زمین را محاصره کنند و کسی را نگذارند وارد زمین شود و دیدیم که سه تراکتور برای معوم کردن و ازین برین زراعت وارد زمین شدند و مورد اعتراض هفت نفر از ما قرار گرفتند و بعنوان شورشگر و متردد تحویل ناحیه دادند. در صورتیکه گفتیم ما تابع دستوریم و زمین را تحویل سرنگ لنگری میدهیم. چه بحق و چه باحق، ولی اجازه نسیدهیم. این زراعت را که اقتصاد مملکت است معوم و نابود شود. چه فرقی بین این معوم نمودن زراعت و آتش زدن گندم وجود دارد...» (متن نامه با قید امضاء و مشخصات جوانان در اختیار نگارنده است.)

بدهی است زارغین و کشاورزان هم در برابر اینهمه ظلم و ستم و استثمار و بهره‌کشی و زورگویی و زورفرمایی ساکت ننشسته‌اند و اخیراً در چندین جا و بخصوص در کلا و فرح آباد و گنبد و گرگان علیه فئودالها و سوداگران دین، فریاد اعتراض بلند کرده‌اند و در مواردی هم عده‌ای از سالکان خونخوار و ضد خلق را بدست مضروب و مصوم نموده‌اند. دهقانان و زارغین شریف و زحمتکش روز بروز و با سرعت جبر انگیزی از اسلام انقلابی و ضد فئودالی و ضد سرمایه‌داری و ضد ارتجاع آگاهی پیدا میکنند و به حکم مسلمانی و مسئولیت توحیدی قصد دارند بساط سرمایه‌داری و استثمار فئودالی را برچینند و بزندگی ننگین و پلید فئودالها خاتمه دهند. اگر دولت و شورای انقلاب دیر بچیند (چنانکه چینی‌ها) و اقدام قاطع و انقلابی و اساسی نکنند، شورشی دهقانی اکثر مناطق شمال را در برمی‌گیرد و آنکه به اوضاع و احوال منطقه آشناست و دستی بر آتش دارد این نکته را بروشنی در یافت و نیک میداند که دیگر بنام اسلام نمی‌توان از مالکیت فئودالی و سرمایه‌داری دفاع کرد و دهقانان و زحمتکشان روستا را نادان و جاهل و بیخبر نگه‌داشت. پیداست اسلام انقلابی و ضد ارتجاعی و افکار ضد فئودالی و ضد سرمایه‌داری امام خمینی و پدر طاقی انگیزه و راهبر دهقان خواهد بود. ابروز ورداسبی

مگر نه اینکه خدا اراده کرده است تا مستضعفین یعنی زارغین و کارگران و سایر زحمتکشان راه امامان و رهبران جهان و سالکان همه‌چیز و وارثین زمین بگرداند! (سوره ۲۸ آیه ۵) بسا آنکه دولت و مقامات مسئول هر آن شاه توطئه‌ای از جانب خونین و فئودالهای مازندران مخصوصاً مناطق کلا، جویبار، گنبد، آمل، بابل، پسل سفید و فرح آباد ساری بر علیه کشاورزان مستعبده هستند. و با همه ظلم و ستمی که بسوسله وزیر کشاورزی فئودال و فئودال صفت و عوامل زاندارمی منطقه در حق زارغین اعمال می‌شود هیچکس به وضع آنها رسیدگی نمی‌کند. با آنکه امام خمینی در روزنامه کیهان یکشنبه ۲۰ اسفند ۵۷ گفته‌اند که: «غالباً اربابان دلیلی بر ملکیت جز سند قلابی و تصرف عدوانی نداشته‌اند و یا اقتدر ظلم از طرف ارباب شده و اموالی از کشاورزان گرفته‌اند که کشاورز میتواند زمینها را بابت طلب خود از ارباب تملک نماید. چه بسا در مواردی لازم باشد پولی که بابت بهای ملک از کشاورز گرفته شده به او پس داده شود.» ولی با کمال تأسف می‌بینیم فئودالهای خونخوار و سربرده‌ای مثل حسین یزدانی، خسروخان مدانلو، دکتر اولادی، سرهنگ سوادکوهی، رحیم عزتی، محسن کریندی و عارف میلانی و قاریایی و میرسیدی با اعمال نفوذهای متعدد که بخصوص از طریق آخوندنماهای دست‌نشانده صورت می‌گیرد و شخصیت روحانیت مبارز راه لکه‌دار میکند، زندگی را بر کشاورزان و زارغین بی‌پناه روز بروز تلخ‌تر و سخت‌تر میکنند.

«کانون مالکین» که پس از سقوط رژیم مغزور پهلوی، مخفیانه و بسوسله‌خاها و فئودالهای خون‌آشام و زالوصفت ایجاد شده، بسا شیوه‌های پیچیده و مرموز همچون گذشته، هستی و داریسی و دست‌نرخ روستائیان را مورد غارت و چپاول قرار میدهد.

سرهنگ عزیزی، فرمانده عملیاتی زاندارمی مازندران که سالیان دراز در منطقه بسطع طاعوت و ساواک و مالکین فعالیت و خدمت کرده (طبق ایشاد موجود) اینک گریه عابدشده و با تظاهر افراطی به مذهب، مثل سابق سالکین را حمایت و زارغین را سرکوب میکند و دوشادوش دین‌فروشان به انقلابیون اصیل مسلمان برجسب «کمیونیستی» میزند.

سرهنگ نامبرده چنان در مسیر فعالیت ضد خلقی و ضد اسلامی‌اش پیش رفته که حتی جوانان مازندران زبردست او به اعتراض و انتقاد برخاسته‌اند. فی‌المثل چندتن از جوانان مازندران می‌نویسند: «در

هنوز در پشنگون مورد بحث است اما این گفتگوها بیشتر بر سر مسائل لجستیکی میباشد تا خود طرح. قابلیت جنگیدن در «یک و نیم جنگ» یکی از بایه‌های دکترین نظامی ایالات متحده از زمان جنگ جهانی دوم بوده است «نیم‌جنگ» مربوط به یک جنگ محدود و با مدت زمان کوتاه علاوه بر جنگیدن در یک نبرد اصلی در اروپا میشود. از زمان اولین بحران نفتی سالهای ۷۴-۷۳ و یکبار دیگر در سال جاری زمانیکه آمریکائیاها برای بنزین ناچار به‌ایستادن در صف هستند، جنگالی بر سر مسئله نفت و سایر مواد خامی که ایالات متحده به‌مقیاس وسیعی از منطقه خلیج - اقیانوس هند و آفریقا وارد میکند در گرفته است و بنابراین آفریقا نیز اهرم نگرانی استراتژیک را بکار گرفته است.

در اوائل سال جاری هارولد لیبرون وزیر دفاع به‌کنگره آمریکا گفت: «اقتصاد ما بشدت به واردات ذخائر انرژی و مواد خام متکی گشته است و ۹ درصد از تولید ناخالص ملی ما از فروش کالاها و خدمات آمریکا در بازارهای خارجی بدست می‌آید.» وی اضافه کرد که برای حصول اطمینان از جریان این منابع و کمک به‌بقایه رژیم‌های طرفدار آمریکا در خارج «ما مجبور به‌دخالت استراتژیک در مناطقی مثل خلیج فارس و تنگه‌ مالاکا هستیم» از نظر طراحان پشنگون در حال حاضر نیت سیاسی و اقتصادی در جهان سوم، شاید به‌اندازه‌ی مقابله در دوران جنگ سرد، از اجرای استراتژی «نیم‌جنگ» مورد نظر است. علاوه بر این، ایالات متحده در نظر دارد که دخالت جدید خود را در منطقه با بریتانیا و فرانسه، که هر دو در اقیانوس هند حضور دارند، هماهنگ کند. ژسکار دستن و مارگرت تاجر هر دو به‌آنچه که مفسری «دکترین کارتر» نامیده است، ابراز سبقتی نموده‌اند.

شاید جدی‌ترین مانعی که در راه طرح‌های پس از شاه ایالات متحده وجود دارد، شکست موافقتنامه کمپ دیوید باشد. سقوط شاه یکی از دلایل اصرار کارتر برای قرارداد مصر و اسرائیل بود. اما عقیده استراتژیستهای آمریکائی ایجاد یک «اتحاد بزرگ» بین عربستان سعودی، مصر و سایر رژیم‌های محافظه‌کار عرب و اسرائیل، قویترین نیروی نظامی در منطقه میباشد. اعتراض جسدی اعراب به قرارداد مصر و اسرائیل چنین وحشی را که مبتنی بر یک «آشنی آمریکائی» (Pax Americana) می‌باشد، بی‌اعتبارتر کرده است. به‌علاوه، یک تحقیق جدید کتابخانه کنگره ایالات متحده تحت عنوان «واردات نفتی از خلیج فارس» استفاده از نیروهای مسلح ایالات متحده به‌منظور اطمینان از جریان ذخائر» به‌این نتیجه میرسد که حتی در بهترین شرایط اینکه آیا دخالت ایالات متحده میتواند بدون منجر شدن به یک درگیری ابرقدرتها با خرابکاری در حوزه‌های نفتی، موفقیت‌آمیز باشد مورد سؤال است. اما دخالت ایالات متحده را در منطقه اقیانوس هند نمیتوان صرفاً به‌عنوان یک مانور فرض کرده و آنرا در نظر نگرفت. همانطور که دخالت آمریکا در جنگ بین دو ین در ماه مارس گذشته نشان داد، فلج شدن آمریکا پس از جنگ ویتنام مربوط به گذشته است و ایالات متحده اینک از نظر نظامی از هر زمان دیگری پس از ویتنام، محدودیت کمتری دارد.

دیپلماسی «کشتی جنگی» برای سالهای ۸۰

ارتش ایالات متحده مشغول تهیه طرح‌های مشخصی برای بکار انداختن نیروی «حمله سریع» که درباره آن بحث‌های زیادی شده است، می‌باشد.

پانزده از عربستان سعودی در اوائل سال جاری، بوقوع خواهد پیوست. حرکات بعدی شامل تکیه بر فروش نظامی به عمان، سودان و دولتهای کوچکتر خلیج و همکاری نزدیکتر نظامی بسا کشورهای طرفدار غرب در منطقه میشود. همچنین فاش شده است که ین شمالی، آمریکا را وادار کرده است که یک نیروی ویژه متحرک مرزی را تعلیم و تجهیز کند و به‌این ترتیب سیاست آمریکا را «عریزه» کند اگر چه برزیدت کمبری بدلیل پشتیبانی از سادات و قرار گرفتن در مدار مصر تحت فشار قرار گرفته اما سودان اخیراً موافقت گرفت ۱۴۰ میلیون دلار کمک نظامی از آمریکا را کسب کرده است. همچنین سلطان قابوس نیز چراغ سبز را برای کسب کمک معقولی در یافت کرده است. قابوس همچنین پیشنهاد کرده است که ایالات متحده از پایگاه قدیمی نیروی هوائی سلطنتی انگلستان در «مسیر» بطور منظم ستفاده کند و آمریکا نیز پیشنهاد نصب دستگاههای انتقال و مراقبت حساس در عمان را داده است.

همزمان با ملاقاتهای بسیار مهم کاخ سفید در ماه ژوئن، فرمانده ارتش ایالات متحده، ژنرال برنارد راجرز افشا کرد که ارتش ایالات متحده مشغول تهیه طرح‌های مشخصی برای بکار انداختن نیروی «حمله سریع» که درباره آن بحث‌های زیادی شده است، می‌باشد.

او آنرا «نیروی یکجانبه» خواند و گفت که این نیروها از ۱۱۰۰۰ نفر تشکیل شده و واحدهای آن از نیروی هوائی ایالات متحده و نیروی دریائی و تفنگداران تأمین خواهند شد. راجرز این امر را که هدف این نیرو فقط دخالت در خلیج است تکذیب کرد و گفت که این نیروی «انتقال در همه جا» بوده و برای استفاده در خارج از مناطق ناتو خواهد بود. محرک این طرح ناشی از پیش‌نویس محرمانه یک «راهنمای جمعی» است که وزیر دفاع هارولد لیبرون به‌ارتش به‌منظور طرح ریزی در پنج سال آینده فرستاده است. همچنین به‌نظر می‌رسد که طرح‌های ایجاد یک «ناوگان پنجم» نوین مدت زمانی طول میکشد که از تابلوهای طراحی پشنگون بسا تین آورده شوند. ناوگان پنجم یک نیروی حمل و نقل است که بطور دائم در اقیانوس هند مستقر خواهد شد و ایالات متحده در عین حال قابلیت نظامی بسایگاه «دیپو گارسیا»ی خود را توسعه خواهد داد. چنین ناوگانی اجباراً از ناوگان ششم در دریای مدیترانه و ناوگان هفتم در باسیفیک تأمین میشود و بنابراین قابلیت‌های هر دو را کاهش خواهد داد. این مسئله

آنچه در زیر می‌آید ترجمه قسمتی از مقاله «دیپلماسی کشتی جنگی برای سالهای دهه ۸۰» می‌باشد که از مجله نیوآفریکن برگردانده شده است. امید است که آوردن آن در این بزیه خاص از زمان که یک موج ضد آمریکائی جامعه ما را فرا گرفته است، بتواند در شناخت عملکردهای آمریکا نیز در منطقه خلیج فارس و اقیانوس هند مورد استفاده قرار گیرد.

نیوآفریکن سپتامبر ۷۸

اولین علامات یک تغییر جهت سیاست ایالات متحده بسوی دخالت مستقیم بیشتر در جهان سوم اکنون آشکار است.

جزئیات سیاست پس از شاه ایالات متحده برای منطقه اقیانوس هند، خلیج فارس، همچنانکه دولت کارتر بسوی یک رویه مداخله گرانه‌تر مبتنی بر تأمین دسترسی بر ذخائر خاورمیانه و سایر مواد خام کشورهای جهان سوم حرکت می‌کند، آشکارتر میگردد.

از زمان سقوط شاه سیاستمداران آمریکا درباره آنکه چگونه جانشینی برای یک سلیس منطقه‌ای کلیدی و متحد استراتژیک که یکی از «ستونهای دوگانه» ی سیاست خاورمیانه ایالات متحده بود، بیابند به‌بحث جدی پرداخته‌اند. روس مطالب جریانه‌های عمده تفکر استراتژیک آنان قبلاً در این صفحات آشکار شده‌اند (نیوآفریکن - می ۷۹). اما در ماه‌های اخیر این استراتژیک شروع به‌تبلور یافتن و انتقال از تابلوهای طراحی پشنگون به‌حیطه عمل کرده است.

طبق گفته‌های منابع عالی‌رتبه ایالات متحده در آنچه که یک «نقطه عطف» در دوباره سازی سیاست ایالات متحده نسبت به اقیانوس هند - خلیج می‌نماید، کمیته تجدیدنظر سیاست شورای امنیت ملی (پالترین مرجع سیاست خارجی آمریکا) یک گروه‌های مخفیانه دو روزه را در ۲۲ ژوئن بسایان داد و موافقت نمود که نیروهای نظامی ایالات متحده در منطقه را تقویت کند. این تجدیدنظر اساسی در سیاست، بخشی از یک فرآیند رند یابنده است. یکی از پیشنهاداتی که در ملاقاتهای بعدی مورد بررسی قرار خواهد گرفت، ایجاد یک فرماندهی جدید در خاور میانه خواهد بود.

قبل از گرد هم آئی او اواخر ژوئن، وزارت کشور، سیا، وزارت دفاع و سایر مجامع اطلاعاتی مطالعاتی درباره موقعیت امنیتی کلی منطقه انجام داده بودند. در حالیکه بعضی از مقامات وزارت کشور نگرانند که یک رویه مداخله گرانه‌تر ایالات متحده آمریکا مبتنی بر حضور بیشتر نظامی، بی‌نرم خواهد بود. یک موافقت عمومی در میان مقامات رسمی دولت کارتر از جمله وزیر دفاع برسون، مشاور امنیت ملی برزینسکی و ژنرال دیوید جونز - رئیس فرماندهی مشترک - بروز نموده است. اما در عین حال که درباره تقویت نیروهای ایالات متحده در منطقه توافق حاصل شده است، منابع مطلع آمریکائی اطمینان میدهند درباره آنکه این عمل چگونه و با چه سرعتی تعقیب شود هنوز توافق جدی وجود ندارد. اما علامت اولیه یک تغییر با اهمیت سیاسی، غیر قابل انکار به‌نظر میرسد.

حرکات جدیدی همراه با لفاظی‌های شجاعانه عالی‌رتبه ایالات متحده درباره استفاده از زور به‌منظور حفظ «منافع حیاتی» (نفت خاور میانه) در راه می‌باشد. این حرکات با افزایش حضور نیروهای هوائی و دریائی ایالات متحده در منطقه اقیانوس هند - خلیج در ماه‌های آینده شروع خواهد شد. قرار است که نیروهای دریائی ایالات متحده بیرومن منطقه خلیج بسوسله افزودن دو ناو نابود کننده (destroyer class ships) به‌سما نای که در حال حاضر در اقیانوس هند وجود دارند افزایش یابند و همچنین تعداد ادای‌های منظم نیروی عملیاتی ایالات متحده در منطقه افزایش یابند. همچنین تعداد بیشتری دیدارهای «نمایشی» بسوسله هواپیماهای جنگی ایالات متحده، مانند دیدار هواپیماهای اف -

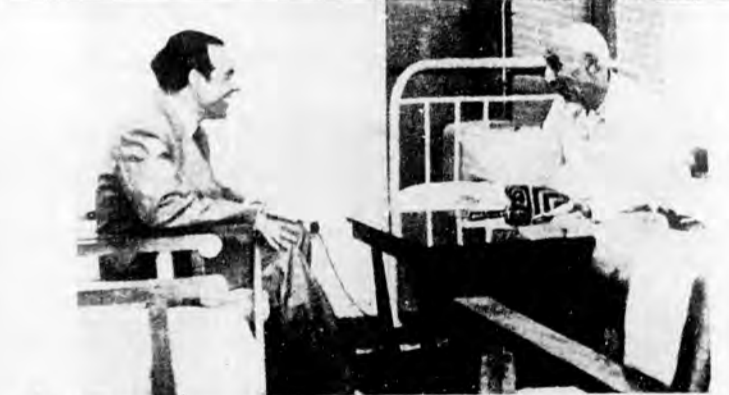
بقیه از صفحه اول

دکتر سید حسین فاطمی

در باره اش گفت «در تمام مدت همکاری با این جانب حتی یک ترک اولی هم از آن بزرگوار دیده نشد.»

فاطمی در سال ۱۲۹۸ خورشیدی در شهر کوچک نائین و در خانواده‌ای روحانی چشم به‌جهان گشود. پدرش آیت‌الله سیدعلی محمد سیف العلماء و مادرش دختر حجت‌الاسلام خادم بود. او در خانواده روحانی تحصیلات قدیم را نزد پدر آموخت و سپس در اصفهان در دبیرستان اقدسیه و صادمیه به‌تحصیل ادامه داد و دیپلم ادبی گرفت. سپس راهی تهران شد و در تهران در هنگام تحصیل به‌نشر مقاله‌های میهنی و سیاسی در مطبوعات آروز همت گماشت و سرانجام در سال ۱۳۲۲ در انتشار روزنامه باختر که امتیاز آن در اختیار برادر بزرگش بود شرکت کرد.

مبارزات قلمی فاطمی از سال ۱۳۲۳ شدت یافت و هنگامیکه روسها تقاضای امتیاز نفت شمال را کردند با درج مقاله‌ای جنجالی دکتر فاطمی به‌زندان افتاد و روزنامه باختر را به توقیف کشانید. پس از آزادی در توطئه‌های جدائی‌آزادی‌انگیز مقاله دیگری زیر عنوان «آقای سادچیکف اینجا از یکستان



نیست» انتشار داد و بسا دیگر با تقاضای سفیر شوروی درهای زندان بروی او گشوده شد. او از سال ۱۳۲۳ تا ۱۳۲۵، لحظه‌ای از درج مقالات سیاسی که در آگاهی مردم نقش مؤثری داشت غافل نشد. در این زمان برای ادامه تحصیل به‌اروپا رفت ولی از آنجا هم مقاله‌های شورانگیز برای روزنامه می‌فرستاد.

پس از بازگشت به‌ایران با انتشار «باختر امروز» در نیمه اول سال ۱۳۲۸ بیش از پیش کمر به‌خدمت هم‌میهنان بلازده خود بست. در نیمه دوم سال ۱۳۲۸ جبهه ملی به‌رهبری دکتر مصدق تشکیل شد و دکتر سیدحسین فاطمی به‌آن پیوست و روزنامه باختر امروز ناشر افکار این سازمان سیاسی گردید. در روز دهم اردیبهشت ماه سال ۱۳۳۰ دکتر مصدق زمام امور کشور را برعهده گرفت و دکتر فاطمی را به‌معاونت نخست‌وزیری انتخاب کرد.

در روز ششم آبانماه همین سال دکتر فاطمی به‌هنگام سخنرانی بر مزار روزنامه نگار مبارز «محمد مسعود»، سردبیر روزنامه «هرم امروز» هدف گلوله «عبد خدائی» عضو گروه فدائیان اسلام قرار گرفت.

و بسختی آسیب دید.

در انتخابات دوره هفدهم مجلس شورای ملی، دکتر فاطمی کاندیدای نمایندگی مجلس شورای ملی گردید و از سوی مردم تهران به‌مجلس راه یافت. در مهر ماه ۱۳۳۱ پست وزارت امور خارجه را در دولت دکتر محمد مصدق قبول کرد که بدستور رهبر نهضت ملی، دکتر مصدق قطع روابط سیاسی ایران و انگلیس را در روز ۳۰ مهر ماه ۱۳۳۱ اعلام کرد و دولت انگلیس از همین جسا کینه عمیق نسبت به‌مصدق یار و فدانش دکتر فاطمی را در دل گرفت.

او در مقام وزارت امور خارجه در کابینه ملی، دکتر مصدق لحظه‌ای از افشاء سیاست‌های امپریالیسم انگلیس و مبارزه در جهت قطع وابستگی‌های سیاسی و ایجاد یک سیاست خارجی مستقل و متکی به‌خواست‌های خلق، دست بر نداشتند اینکه کودتای سنگین ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ بسوسله

نابود باد امپریالیسم، صهیونیسم و ارتجاع

بقیه از درآمد در برابر کار

است. آگاهی از ماهیت تولید و ضد انسانی مناسبات بازاری بولی - سبب شد پیامبر آن مناسبات را شیطانی و بازار را مرکز فعالیت ابلیس بخواند. «بدترین مراکز زمین بازارها هستند چنانکه میدان عمل و فعالیت ابلیس است.»^{۲۱}

آگاهی لازم است تا بدانی کدام نوع از کسب تجارت حلال و کدام تجارت حرام است. امیرالمؤمنین، تأکید میفرماید که: «هر کس می خواهد تجارت کند حتماً باید در دینش تقفه و تفکر کند تا بداند چه چیزی برای او حلال و چه چیزی حرام است و اگر کسی در دین خود تقفه نکرده و به تجارت رو آورد در ورطه نسیهات (انحراف) سقوط خواهد کرد.»^{۲۲}

نفی هر گونه سود بردن است. اما چنانکه پیشتر یادآور شد، در شرایط و در نظامات غیر توحیدی که مردم در چارچوب اقتصاد غیر توحیدی اسیر و محکوم هستند - در حد گذران زندگی و تسامین حداقل احتیاجات خود اجازه دارند بر قیمت اصلی کالایی که خریدند تحت شرایط خاصی، اندک مبلغی بیفزایند - امام صادق میفرماید: «اصل بر اینست که سود مؤمن بر مؤمن ریاست. مگر اینکه بیشتر از یکصد درهم بسخرد که در اینصورت بداننده قوت یک روزه خود بر آن سود اضافه کن یا اینکه برای تجارت بخرد (حمل به نقاط دیگر) و با مردم و خریداران با مدارا و ترمی رفتار کند.»^{۲۳}

غدیر خم

عید غدیر، برای مسلمانین بخصوص برای جهان تشیع روزی براج، با عظمت و تعیین کننده است. روزی که محمد پیامبر جهاد و مبارزه و رنج سالیان دراز مبارزه و جامعه و امت بر دوش، در آخرین وداعش با مسلمانین کتاب خدا بعنوان کلام الهی، اهل بیت را بمنابیه ملاک و معیاری زنده و جاوی برای شناخت و ارزیابی دقتیق اسلام و مکتب و سنت رسول در میان مسلمانین بیادگار گذاشت و خود مدتی بعد برای جاوید نشتافت. ایوم اکملت لکم دینکم را بعنوان پیام الهی بگوش پیروانش رساند و رفت، بی دلیل نیست که نسیه امامت را برای تکمیل دین و برای تداوم جریان انقلابی و اجتناب از انحراف و کج روی و افتادن به موضع گیرهای چپ یا راست و در یک کلام به ضلالت، ضرورتی تام و غیر قابل اجتناب می داند. بطوریکه اعتقاد به امامت و رهبری جامعه توسط امام، جزو ایمانش و اعتقاداتش شکل گرفته و جدائی از آن یعنی جدائی از سرچشمه اصیل اسلام، قران و سنت رسول، چرا که در اعتقاد تشیعی امامت چیزی نیست جز رسالت سنگین رهبری و رانند جامعه و فرود از «آنچه هست» بسوی «آنچه باید باشد»، یعنی بسوی کمال و تعالی، بر اساس ایدئولوژی و مکتب که امام خود نمونه زنده وحی و حاضر مکتب و پیش از هر کس و پیش از همه تابع و پیرو آنست و در برابرش مسئول و مستعد، و هشدار اینکه با اختتام «وحی» که دیگر بشر باید خود راه خویش را با آگاهی و اراده انسانی و بسا تکیه بر امامت و رهبری و آموزش از قران و مکتب ادامه دهد. و بدینگونه، علی، این قران ناطق و این اسلام مجسم و این مکتب زنده و جاندار، برگزیده شد تا جریان انقلابی را که پیامبر بوجودش آورد، تداوم بخشد، برگزیده شد تا قرآنی را که محمد بر نزلش نمنشیر کند، او برای تأویل و تفسیرش با قاسطین، مارقین، ناکثین، یا کسانی که در لباس اسلام تسلط و عدل اسلامی را زیر پا نهاده و در جهت طبقاتی شدن جامعه و احیای روح انحرافی و سرمایه داری می کنند - معاویه ها - به مبارزه برخیزد. برگزیده شد تا با «مقدسیتی» و متعصبینی خرفت و ناآگاه و... بمبارزه پردازد.

اما علی باتمام عظمتش زندگیش در سه شمار مکتب، وحدت و عدالت خلاصه کرد، و این سه گویای زندگی بر مبارزه و برجهاد علی برای اعتلای روح اسلام و آگاهی بخشیدن به انسان و ارزش های انسانی است. انسانی که ۲۳ سال در رکاب محمد برای اسلام نمنشیر زد و ۲۵ سال را در برابر جبهه های داخلی برای حفظ وحدت امت جوان اسلامی صبر و سکوت و استقامت انقلابی کرد، ۲۵ سالی را که خود علی همه چیزش را، ولایت و وصایت را و... فدا کرد تا وحدت را در جامعه تحقق عینی بخشد، و درسی بزرگ که امت جوان و تازه ساگرفته در برابر کشمکش های داخلی و بازی های سیاسی بی جان نگرده، انسانی که از فشار تعهد و مسئولیت طساقت فرسا و جانگناه فرساید برمی آورد «ایناکم و التفرقه»؛ و هوست که خود میگفت، «استخوان در گلو و خار در چشم صیر کردم و دست به نمنشیر نبردم». دست به نمنشیر نبرد تا مسلمان نمایان و ضدانقلابیون در جلد اسلام فرو رفته - ابوسفیان ها - مدینه را برای «دفاع» از علی و حق علی از سواره و پیاده بر نکتند.

بقیه در صفحه ۷

«هنگامه»

آنک پیام رسالت و بیامی
عیسی وار
درون مه و مهتاب
آنک سرود فتح
نهیذانه
درون رگ توده
آنک ترنم سبز رهائی
در موج موج حادثه
تکرار شد
آنک شهاب نهداد
آنک سبیده دمید
وما
این ترخم سرخ «الله» را
آز مونی دادیم
* * *
من از دیار آب می آیم
از سرزمین موج
من از دیار ماهیان سرخ می آیم
از آبی کدار دریا
با توشه ای زرد

بقیه از صفحه ۲

انقلاب در

ارکانهای مختلف دولتی و مأمورین و متصدیان نفوذشان در میان مردم عمدتاً به اعتبار حمایت امام از آنها می باشد، یعنی بعد از انقلاب این ارکانها و مسئولین، اقدامات برجسته و مهمی در زمینه برآوردن خواسته های مردم و تحقق اهداف انقلاب انجام نداده اند تا اصالتاً مورد احترام و توجه توده قرار گیرند و جاذبه و پیوندی طبیعی بوجود آورند - محبوبیت و نفوذ کلام مقام رهبری، سبب می شود، مردم علیرغم نارضایتی و مشاهده نارسائیهات، با هوشمندی و آگاهی و احساس مسئولیت، نسبت به سرنوشته انقلاب و روی اعتماد مطلق به رهبر انقلاب به آن رأی اعتماد بدهند و از پشتیبانی و حمایتشان دریغ نکنند. اکنون فرصت دیگری برای جبران مافات پیدا شده است، با اقدام انقلابی دانشجویان مسلمان و دستور مقاومت و مبارزه جدی با امپریالیسم توسط امام خمینی و تأکید بر این نکته که انقلاب تازه ای آغاز شده است و بدنبال آن شور و هیجان گسترده ای که در میان توده ها ظاهر گردیده، اگر شورای انقلاب بتواند با قطع علاقه از عملکرد گذشته و قطع امید از روشهای لیبرالیستی و محافظه کارانه، گام در مرحله تازه ای بگذارد و روشهای تازه ای برای رهبری و اداره امور انقلاب برگزیند، اگر چنانکه ابراز تمایل نشان داده اند، بجای تکیه بر نیروهای ارتجاعی جامعه که در گذشته بطور وسیعی مورد استفاده قرار گرفتند، نیروهای پیشرو مسلمان به همکاری و اتحاد دعوت شوند و ترکیب آن بکلی دگرگون گردد، امید هست که از این موقعیت برای ایجاد یک انقلاب گسترده فرهنگی استفاده شود. بخصوص که اعلام کرده اند در عملکرد و روش کار دستگاه رادیو و تلویزیون تغییرات اساسی بعمل خواهد آمد، ما امیدواریم این تغییرات در جهت آزاد کردن آن از وابستگی های شخصی و بساندها و گروهها باشند و بسا یک مدیریت قوی،

شورائی، که از ایمان و بینش مکتبی و آگاهی به فن تبلیغات بهره مند باشد، این دستگاه مؤثر را در جهت اهداف انقلاب فرهنگی و مبارزه ضد امپریالیستی و ضد سرمایه داری وابسته هدایت کند. و خدا کند که از این فرصت تازه بسا وسعت نظر و آینده نگری و احساس مسئولیت جدی نسبت به سرنوشته انقلاب، استفاده مطلوب بعمل آید.

کارنامه ده ماهه گذشته مورد تجزیه و تحلیل جدی و عمیق و بی نظرنانه قرار گیرد و از نقاط ضعف و قوت اقدامات گذشته برای یافتن راه درست و اقدامات صحیح استفاده شود.

خواست ما حفظ دست آوردهای انقلاب و مبارزه اصولی و همه جانبه با امپریالیسم و قطع وابستگی ها و حرکت بسوی جامعه توحیدی از طریق مبارزه با استثمار و ایجاد یک انقلاب فرهنگی است. هر کس و هر گروه که در این راه گام بردارد، مورد حمایت خلق و خدای خلق خواهد بود. ولی از تأکید مجدد روی یک حقیقت خودداری نمی توانیم کرد، که تحقق آرمانهای فوق فقط و فقط به کمک و بدست توده های مستضعف خلق و مؤمن میسر است، و اگر وسایل و عناصر دیگری بخمدت گرفته شوند، انتظار پیروزی نباید داشت.

والسلام

بعد از تو

ای در نگاه فاطمه
پرخشم
بهر حق
ای در نگاه فاطمه
بی باک
در ستیز
در سینهات
زخم کدام غم نشسته بود
کز (دیوودد) ملول بودی و
در نیمه های شب
سر بر درون چاه
حق حق کنان از غم خویش
حرف میزدی
ای صبر سرخ تو برتر
زهر شتاب
ای شعر سکوت تو برتر
زهر خروش
بعد از تو
بیکر تاریخ دونیم گشت
بعد از تو
چاه مدینه غریب ماند
بعد از تو
آه یتیمان
ز بهر نان
در کوجهای خالی کوفه
بلند شد
بعد از تو
هیچکس
به هیچ دیار
هرگز ندید
کز بهر حق و مساوات قسط و عدل
داغی بدست برادر کسی نهد
بعد از تو
در غدیر خم
آله های شرم
در سالگرد بیعت یاران و راهیان!!!
با قطره ای زخون تو
از خاک سر زدند
بعد از تو
لات و قیل از دیار کفر
با زور و قوت فرعونیان شوم
با مکر و حیلت باعوریان شوم
با مال و مکتب قارونیان شهر
سر بر درون کعبه نهادند
خدا شدند
بعد از تو

ع - ع
۵۸/۸۷



پیام طالقانی، شهادت است و شورا

پس از استعفای دولت اکنون چه باید کرد؟

تا مبارزه علیه دیکتاتوری شاه به نتیجه رسید و رژیم از لحاظ سیاسی سقوط کرد. اما اگر هدف انقلاب محدود به نفعی استبداد شاه بود، کار انقلاب پایان یافته تلقی می‌شد و تنها وظیفه‌ای که در مقابل دولت جدید قرار داشت، برکردن خلاء قدرت و بازگرداندن آرامش و گشودن ادارات و براه انداختن دوباره کارخانجات و استقرار قدرت قانون بشمار می‌رفت و این دقیقاً همان نگرش و تحلیلی بود که رئیس دولت، از انقلاب و وظایف دولت انقلاب در نظر داشت. دولت آقای بازارگان انقلاب را در «شورش ۲۲ بهمن» ماه خلاصه می‌کرد که در شب آن روز با تسلیح ارتش تمام شد و به نتیجه رسید. اشکال کار از همین پیش دولت نسبت به انقلاب برخاست - در اندیشه ایشان همه ناسامانیها و بدبختیهای ملت ایران در دیکتاتوری شاه خلاصه می‌شد بطوریکه اگر شاه دست از دیکتاتوری دست برمی‌داشت همه چیز روبراه می‌گشت، در تحلیلهای ایشان عامل استعمار و امپریالیسم و نظام ضدخلفی و مناسبات استعماری جانی نداشت، فقط اگر شاه، آدم سرباهی می‌شد - مردم به همه خواسته‌های خود دست می‌یافتند - بهمین جهت ایگن و یساران لیبرالشان در مبارزه با دیکتاتوری شاه سرخستی و مداومت و بی‌گیری قابل‌تحسینی از خود بروز دادند - و اگر در منی مبارزه با رژیم شاه راه‌حلهای مسالمت‌جویانه و گام‌به‌گام و سازشکارانه توصیه می‌کردند نه از روی سازشکاری با دیکتاتوری بلکه دقیقاً مربوط به عدم شناخت عامل امپریالیسم و داشتن بینش لیبرالی بود - که در همان حال مانع از درک و تشخیص درست قدرت توده و ایمان به مردم می‌شد.

اما هدف انقلاب ایران محدود به نفعی دیکتاتوری شاه نبود بلکه رسیدن به اهداف سه‌گانه استقلال، آزادی و حکومت اسلامی، مستلزم پیوند ۳ مرحله بود که سقوط شاه و رژیم سلطنتی فقط اولین مرحله آن بشمار می‌رفت، دومین مرحله چنانکه از شعاع توده‌ای - به بعد از شاه نوبت آمریکاست - چشم می‌خورد، مبارزه با امپریالیسم بود که فقط پایگاه سیاسی خود را از دست داده بود. اما نفوذ وی در ارتش، مناسبات اجتماعی - اقتصادی و فرهنگی و از طریق سرمایه‌داری وابسته و قراردادهای استعماری پراجا بود و گذشته از آن عوامل مزدور فراوانی در داخل و در سطح منطقه در اختیار داشت و از قدرت ممانورهای سیاسی، اقتصادی و در صورت لزوم نظامی هم بهره‌مند بود - با توجه به ضروری‌های که انقلاب به‌منافع عظیم اقتصادی - نظامی و سیاسی امپریالیسم در منطقه و در صورت موفقیت و پیروزی انقلاب در سطح جهانی وارد می‌آورد. مسلم بود که امریکا سرکرده امپریالیستها، آرام نمی‌نست و بلافاصله توطئه‌چینی آغاز می‌کرد - مرحله سوم استقرار حکومت اسلامی بود که لازمه حرکت در جهت آن تغییر مناسبات اجتماعی و نفی استعمار و ظلم و رفع اختلاف طبقه‌ای و برقراری نظام قسط اسلامی و جامعه توحیدی بود به عبارت دیگر لازم بود برنامه‌ای برای تغییر بنیادی تمامی ساختمان جامعه در همه ابعاد اقتصادی - اجتماعی و فرهنگی تنظیم و مرحله اجرا گذاشته شود.

در همین‌جا باید به مسئله مهم دیگری توجه دهیم که اولاً مبارزه با امپریالیسم هرگز از مبارزه با استعمار و سرمایه‌داری وابسته جدا نیست و ذاتاً راه و منی وصول به اهداف فوق یعنی مبارزه با نفوذ توطئه‌های امپریالیسم و ظلم و ستم و استعمار اقتصادی و برقراری نظام اسلامی است. تجربه همه انقلابات معاصر نشان می‌دهد که تغییرات انقلاب در جامعه و مبارزه با امپریالیسم منوط به وجود دو شرط است، اول - داشتن بینش مکتبی و دوم - بکار گرفتن قدرت توده‌ها، به عبارت دیگر بدون بینش انقلابی و دانش طرح و نظریه انقلابی و بدون بسیج توده، امکان غلبه بر امپریالیسم و استعمار وجود ندارد.

اکنون بپیمیم دولت لیبرال آقای مهندس بازارگان می‌توانست امر مبارزه با امپریالیسم و انجام تغییرات انقلابی را بر عهده گیرد و بسا موفقیت به‌انجام رساند؟

در آستانه پیروزی مردم بهربری امام بر رژیم شاه با توجه به سیاستهای امپریالیسم آمریکا، هندار دادیم که زمینه برای روی کار آمدن گسروهای لیبرال آماده شده است و این گروهها قادر نخواهند

و سرانجام قسمت مهمی از وقت دولت صرف کشمکش قدرت با حزب رقیب و شورای انقلاب و کمیته‌ها و سپاه پاسداران می‌شد که خود به‌اختلال بیشتر اوضاع کمک می‌کرد. اکنون که کار به‌عهده شورای انقلاب گذاشته شده است ناچار به‌تذکار مطالب زیر هستیم:

اول - شورای انقلاب تا این لحظه که دولت مستعفی شده است مسئولیت اصلی تصمیم‌گیری و اداره انقلاب و نظارت بر کار دولت را بر عهده داشته است. لذا در تمام نارسائیها و ناسامانیهای گذشته مسئولیت درجه اول دارد - قابل‌قبول نیست که شورای انقلاب به‌عذر آنکه خواسته است دست دولت را باز بگذارد - مسئولیت اصلی خود را در طرح و تصویب برنامه‌های اساسی برای مبارزه با امپریالیسم و توطئه‌های ضدانقلاب و استعمار و نظارت دقیق در اجرای آن، نادهیده بگیرد - شورای انقلاب به‌دلیل نقش حساسی که در سرنوشت انقلاب بر عهده گرفت، مستقیماً در آنچه تاکنون رخ داده است مسئولیت دارد.

ما از روز اول ضمن پیشنهادی خواستار تمرکز همه قوای تصمیم‌گیری و اجرائی در شورای انقلاب بودیم و تقاضا کردیم شورا از لحاظ بینش مکتبی و قدرت عمل انقلابی و قاطعیت، انجام پیدا کند و همه نیروهای انقلابی جامعه را به خدمت گیرد و توده‌ها را در پیشبرد و اجرای طرحهای خود بسیج نماید - آن پیشنهادات مورد استقبال شورا قرار نگرفت در حالیکه امروز بر همه مسلم شده است که راهی جز قبول آن طرحها برای اداره کشور و رهبری انقلاب وجود نداشته و ندارد - شورای انقلاب به‌مسئولیت خود در مبارزه اصولی و بنیادی با امپریالیسم و پایگاههای آن در سرمایه‌داران وابسته و در ارتش و سازمانهای مختلف، در مبارزه قاطع با ضدانقلاب و در حل مسائل اقوام و تأمین خواسته‌های بر حق مردم کردستان و در نفی استعمار از توده‌ی کارگر و دهقان - عمل نکرد و در امر تصفیه کمیته‌ها و تربیت و تقویت سپاه پاسداران، غفلت به‌خرج داد. شورا بیشترین وقت خود را در کشمکش قدرت با دولت و گروه حاکم صرف نمود و در امر بسیج انقلابی توده‌های انقلابی و نیروهای مومن به‌انقلاب در مبارزه با استعمار و استعمار حل مسایل انقلاب، سخت کوتاهی نمود و با بسیاری مسایل حیاتی انقلاب برخوردی فرصت طلبانه ظاهر ساخت.

دوم - شورای انقلاب مسئولیت اداره انقلاب را به فرمان امام تا انتخابات مجلس مستقیماً بر عهده گرفته است به اعتقاد ما مسرفقت شورا منوط به رعایت نکات و شرایط زیر داشت:

۱- بدون انجام چندین اقدام و طرح اساسی و فراهم کردن شرایط مناسب، همه‌برسی برای تصویب قانون اساسی و انتخابات مجلس در یک جمهوری - در هر حال محتوای اصیل اسلامی و مردمی نخواهد داشت.

۲- بنظر می‌رسد که شورا با برنامه‌ای که ارائه داده است تا حدی به ضرورت فوق توجه دارد لکن برنامه اعلام شده با وجود چند نکته مثبت، در بعضی زمینه‌ها صراحت و قاطعیت لازم را ندارد و بعضی مسایل اساسی را دربرنگرفته است از جمله ۱) به استقرار نظام شورایی با محتوای اصیل اسلامی آن توجه نشده است ۲) به مبارزه با سرمایه‌داری وابسته به‌عنوان پایگاه اقتصادی امپریالیسم و عامل بحران اقتصادی اشاره نشده ۳) به نفی استعمار از زحمتکشان و کارگران صنایع عنایت نشده ۴) تصفیه ارتش تصریح نگردیده ۵) به خواسته‌های برحق اقوام برای تعیین سرنوشت خود در چارچوب نظام و جمهوری اسلامی اشاره و تأکید نشده است ۶) سرانجام تمایل به تصحیح ترکیب شورا و دادن انسجام فکری و انقلابی بدان، نشان داده نشده است.

لذا در حالیکه امام و هم‌چنین توده‌ها و عناصر آگاه هر لحظه حملات خود را علیه امپریالیسم بخصوص آمریکا گسترش میدادند و تمام بدبختیها و گرفتاریهای ما را بدست آنان می‌دانستند، وزارت امور خارجه که می‌بایست بیان‌گویای خواسته‌های ملت رنج‌دیده ما باشد و با قاطعیت تمام عمل کند، ضمن مناسبات و روشهای کج‌دار و مریز، طی فقط اعلامیه به «شدیداً تقبیح می‌شود» و «چرا می‌خواهید او را به آمریکا ببرد» بسنده کرد و خشم توده‌ها را برانگیخت.

شناختن روحیه انقلابی توده‌های مستضعف که خواهان روشها و سیاست‌های قاطع هستند و هم‌چنین عدم درک صحیح از امپریالیسم و دارا بودن روحیه محافظه‌کار و لیبرال، دانشجویمان مسلمانان را واداشت که به‌اضغال «سفارت آمریکا» که سمبل تمام توطئه‌ها و جنایات امپریالیسم آمریکا است دست

۱) مبارزه قاطع با امپریالیسم به‌سرکردگی امریکا از طریق لغو قراردادهای استعماری، نفی

سرمایه‌داری وابسته، تصفیه ارتش و ادارات و مردمی کردن مؤسسات مزبور، اتخاذ سیاست خارجی قاطع و صریح در مقابله با امپریالیسم، همبستگی بیشتر با مسلل ضداستعمار و خلفه‌های مسلمان.

۲) مبارزه با اختلاف طبقه‌ای و استعمار و فقر و ظلم اقتصادی از طریق: ملی کردن همه صنایع و خلع‌ید از سرمایه‌داران وابسته، لغو مسالکینتهای فتودالی در کشاورزی و واگذاری اراضی به‌دهقانان، ملی کردن کلیه اراضی شهرها.

۳) مبارزه با بحران اقتصادی و بیکاری با کنترل و اداره تولید صنعتی، تجارت خارجی و بانکداری توسط دولت و اعلام بسیج خلق برای بساز گشت به‌روستا، احیای کشاورزی و صنایع صلی و چندین صنعت وابسته به‌صنعت مستقل و تقلیل مصرف و کاهش واردات به‌عادل‌ل مایحتاج ضروری.

۴) ایجاد یک جبهه متحد از همه نیروها و عناصر مومن و وفادار به‌انقلاب و رهبری بمنظور تقسیم وحدت عمل در پیشبرد اهداف فوق.

۵) اجرای طرحهای ضربتی رفاهی برای حل مسأله مسکن، فقر و بیکاری توده‌ی مستضعف در مناطقی نظیر سیستان، بلوچستان، کردستان و نظایر آن.

۶) قبول اصل حق تعیین سرنوشت برای همه اقوام در چارچوب جمهوری اسلامی و اقدام سریع برای رفع بحران از راههای سیاسی سرکوبی عناصر مزدور ساواک، فتودالها و فرصت‌طلبان در این

بقیه از صفحه ۱

خشم انقلابی در برابر محافظه‌کاری

امپریالیسم یک نظام است، یک نظام سلطه‌گر جهانی، مقاومت و مبارزه با آن هم تنها در تحقق یک نظام و آنهم نظام بسی‌طبقه توحیدی... امکان‌پذیر است.

دولت بیشتر می‌کروند و خواستار اقدامات قاطع و انقلابی در تمام زمینه‌ها بودند. چنانچه بعد از تمام این فریادها و هشدارها بود که دولت موقت بناچار دست به‌اقداماتی از قبیل «علی» کردن بانکها، کارخانجات و... آن هم بطور ناقص زد و در این اواخر بود که قالی بی‌محتوای شوراها را که رکن اساسی حل مشکلات است، ارائه داد و هیچ شور و حرکتی در مردم آگاه ایجاد نکرد.

دولت موقت در برخورد با سیاست خارجی، به‌محافظه‌کاری و روشهای صرفاً دیپلماسی و نه از موضع قدرت، بلکه تکیه‌روی تاکتیک‌های دشمن، اتکا کرد و هر لحظه خشم توده‌های مستضعف را بر می‌انگیخت. شهیدان ما که با خون خود متلث نوم استبداد، استعمار و استعمار را شسته و اسلام ابوذری را برای مقابله با سرمایه‌داران و فتودالهای ز الوصف برای ما به‌یادگار گذاشته‌اند، موجب فریادها و خروشهای رهبر انقلاب و دیگر سازمانها، گروهها و... و هم‌چنین عناصر مترقی و انقلابی و دانشجویان متعهد و مبارز شد تا کرا در موقعیت و فرصت‌های مناسب از توطئه‌های امپریالیسم خیر بدهند.

سفر شاه جلا به‌بانه «بیماری» با امریکا هندار دیگری بود که مسئولین امر متوجه شوند که امپریالیسم آمریکا برای منحرف ساختن انقلاب مشغول توطئه و دسیسه‌چینی است و بی‌پروا از جنایت‌کارترین و سفاک‌ترین دشمن خلق ایران حمایت می‌کند.

لذا در حالیکه امام و هم‌چنین توده‌ها و عناصر آگاه هر لحظه حملات خود را علیه امپریالیسم بخصوص آمریکا گسترش میدادند و تمام بدبختیها و گرفتاریهای ما را بدست آنان می‌دانستند، وزارت امور خارجه که می‌بایست بیان‌گویای خواسته‌های ملت رنج‌دیده ما باشد و با قاطعیت تمام عمل کند، ضمن مناسبات و روشهای کج‌دار و مریز، طی فقط اعلامیه به «شدیداً تقبیح می‌شود» و «چرا می‌خواهید او را به آمریکا ببرد» بسنده کرد و خشم توده‌ها را برانگیخت.

شناختن روحیه انقلابی توده‌های مستضعف که خواهان روشها و سیاست‌های قاطع هستند و هم‌چنین عدم درک صحیح از امپریالیسم و دارا بودن روحیه محافظه‌کار و لیبرال، دانشجویمان مسلمانان را واداشت که به‌اضغال «سفارت آمریکا» که سمبل تمام توطئه‌ها و جنایات امپریالیسم آمریکا است دست

مناطق، دست‌زدن به‌انقلاب فرهنگی از طریق تشکیل شوراهای مردمی در تمامی سطوح و اصلاح برنامه‌های رادیو و تلویزیون و تغییر نظام آموزشی و کمک گرفتن از مردم در اجرای طرحهای انقلابی و جایگزین کردن ارزشهای نوین انقلابی و مکتبی بجای ارزشهای کهنه استبدادی، سرمایه‌داری و استعماری.

با توجه به‌رهنمودهای انقلابی امام و تأکید و توجهی که به‌خواست توده و تأمین منافع مستضعفان نشان می‌دهند و با توجه به‌تساویات قاطع ضدامپریالیستی که مدوماً ابراز داشتند و کرا را تأکید می‌کرد و وحدت همه نیروهای مردمی و مومن به‌انقلاب دارند - امیدوار هستیم که شورای انقلاب با الهام از خواسته‌های امام و توده‌های مستضعف، صمیمانه و صادقانه خود را آماده ایفای مسئولیت بزرگ خویش سازد، بدیهی است که اگر شورا هم‌چنان با ترکیب و پیشبرد عملکرد و منی گذشته به‌کار خود ادامه دهد، با مسوقیت روبرو نخواهد شد. از این‌رو اصلاح روش و ترکیب و نحوه عمل پیشین را باید در سرلوحه دستور کار خود قرار دهد.

نابود باد امپریالیسم جهانی و پایگاههای (سرمایه‌داری وابسته، ارتجاع و لیبرالیسم) پیروزی‌باد انقلاب اسلامی ایران به‌رهبری امام خفنی جنبش مسلمانان مبارز ۵۸۸۱۶

بقیه در صفحه ۷

دروود به‌دکتر علی شریعتی، معلم انقلاب

بقيه از صفحه ۶

بحران کشاورزی ایران

سیر میشود. در همان جدول، گندم وارداتی ایران در سال ۱۳۵۶ بیشتر از گندم وارداتی ایران در سال ۱۳۵۵ است. این بدان معناست که وضع گندم سال بسال در ایران بدتر شده است»

با توجه بآنچه گذشت، نتایج طرح آمریکائی اصلاحات ارضی را میتوان بترتیب زیر خلاصه کرد: ۱- فراری دادن نیروی انسانی روستا، بنظر جذب نیروی کار ارزان در کارخانجات مونتاژی که بنا بخواست امپریالیسم ایجاد شده است بویژه اینکه این مهاجرت، یک مهاجرت طبیعی که باید با آهنگ معینی انجام شود، نبود. این مهاجرت با رشد مکانیزاسیون در روستاها و گسترش صنایع در شهرها هماهنگی نداشت، بلکه اقدامات آگاهانه رژیم، روستاها را از نیروی کار جوان و فعال نهی کرد و صنایع ایران که رشد کافی نداشت، نتوانست دهقانان را جذب کند. در نتیجه صفوف بیکاران در شهرها پررنگتر شد.

طی دوران برنامه پنجم باصطلاح عمرانی، مهاجرت روستائیان سریع تر از پیش بود. سهم نسبی شاغلین بخش کشاورزی در کل اشتغال از ۴۹٪ در آغاز برنامه به ۳۴٪ در پایان برنامه رسید. آمارهای رسمی نشان میدهد که در دهساله ۵۰-۱۳۴۰ بعلت مهاجرت صدها هزار تن از مردم روستائین به شهرها، نرخ رشد جمعیت روستائی ۱۷٪ نرخ رشد جمعیت شهری در همین مدت ۴۴ درصد بوده است.

مهاجرت روستائیان و نابسامانی کلی در کشاورزی، طی ۱۵ سال پس از اصلاحات ارضی، کار را بجائی کشاند که کشور را با کمبود کامل مواد غذایی روبرو ساخت. ایران از نظر محصولات کشاورزی نه تنها دیگر خودکفا نیست، بلکه باید همه گونه مواد غذایی مورد نیاز انسان و دام و طیور را از خارج وارد کند. نه تنها گندم و جو و برنج کافی نیست، بلکه برای علفه دام نیز، ناگزیر باید «ارز» برداشت با افزایش برآمد نفت، واردات مواد غذایی از مبلغ ۵۰۰ میلیون دلار در سال ۱۳۵۲ به ۱/۷ میلیارد دلار در سال ۱۳۵۶ رسید، و این امر وابستگی کشور را بیش از پیش تشدید کرد.

۲- مهاجرت روستائیان شهر، بازار خوبی برای مصنوعات غربی بوجود آورد و بدین ترتیب، ارزش تولید شده در روستای ایران باضماع درآمد نفت یکجا بسوی کشورهای صنعتی غرب سرازیر شد. طرح کینسجر، تحت عنوان «بازگرداندن دلارهای نفتی به کشورهای صنعتی»، نشانگر برنامه کلی امپریالیسم جهت تضعیف بسینه مالی کشورهای زیر سلطه از راه تبدیل آنها به بازار کالاها مصرفی غرب و سرازیر کردن سرمایه مالی آنها بسوی شرکتهای چند ملیتی و بانکهای غرب است.

۳- فروش زمینهای نامرغوب مالکان بمروستائیان، مالکان را تبدیل به سرمایه دار شهری کرد. این سرمایه داران که اکثراً صنایع مونتاژ و وابسته را بوجود آوردند، تبدیل به پایگاهی برای استعمار نو شدند.

راه خروج از بحران:

بی شک زودن آثار استعمار از چهره کشاورزی ایران، میتواند اولین قدم در راه بنا نهادن یک کشاورزی خودکفا باشد. رسیدن باین هدف منوط است به یک دگرگونی بزرگ اسلامی در زمینه کشاورزی. اکنون بیش از اینکه به جزئیات این دگرگونی بپردازیم، بهتر است نقطه نظرهای وزیر کشاورزی و عمران روستائی - و کار گزار فعلی شورای انقلاب در این وزارتخانه - را در «مجمع ملی مشورتی آموزش کشاورزی»، درباره سیاست دولت سابق انقلاب، بدانیم. ایشان که باصل عدم مداخله دولت در کشاورزی، معتقدند، اظهار داشته اند که: «سیاست دولت اساساً معطوف، به پژوهش، ارشاد و آموزش و همچنین تأمین خدمات زیربنائی و اعتبارات بوده و از هر گونه دخالتی بی رویه در امور کشاورزی خودداری خواهد شد..... سازمانها و مؤسسات تولیدی دولتی از قبیل شرکتهای سهامی زراعی و کشت و صنعت، بتدریج بمردم ذیق و بسا افراد واجد صلاحیت و حتی الامکان محلی واگذار خواهد شد.»

نظرات وزیر سابق کشاورزی که «از هر گونه دخالتی بی رویه در امور کشاورزی خودداری خواهد شد» «شرکتهای سهامی زراعی و کشت و صنعت بتدریج بمردم ذیق..... واگذار خواهد شد» انسان را بپیدایش تئوریهایی اقتصاددانان سرمایه داری در این زمینه میندازد. تکیه بر سرمایه گذاری بخش خصوصی و عدم دخالت دولت در روابط غیر عادلانه و استعماری حاکم بر فعالیتهای اقتصادی و اذکار بر «قانون طبیعی حاکم بر اقتصاد» که در سرمایه داری کلاسیک، «دست پنهان» و در اسلام اموی و تشیع صفوی، «سرنوشت» نامیده میشود، خلصت تمام نظامهای طبقاتی تاریخ بوده و هست. این گفته آقای وزیر سابق، سرا بپیدایش سخنرانی دو سال ایشان پیش در دانشگاه شیراز، هنگامیکه در آنجا دانشجو بودم میندازد. ایشان که تحت عنوان «قانون طبیعی بشر» صحبت میکردند.

بطور کلی طرح ایشان که تحت تأثیر نظریات اقتصاددانان غرب میباشد، بر آنست که دولت باید در قبایل بخش خصوصی و سرمایه داران، تنها سیاست ارشادی داشته باشد و از دخالتی بقول ایشان بیجا در کار آنها خودداری کند. در همین رابطه هست که آقای وزیر سابق پیشنهاد میکنند، حتی بخش دولتی موجود در کشاورزی یعنی ۳۳ شرکت و کارخانه و مؤسسه و از جمله شرکت سهامی کشت و صنعت جیرفت، نیشکر هفت تپه، مرغداری حصارک کرج، مجتمع کشت و صنعت مغان، کارخانه شیر باستوریزه، سهام دولت در واحدهای کشت و صنعت و غیره به «مردم ذیق و افراد واجد صلاحیت» واگذار شود و تسلط سرمایه داری بزرگ بر کشاورزی همچنان ادامه یابد، و بهره کتی از دهقانان و کارگران کشاورزی در این بخشهای قبلاً دولتی نیز برقرار گردد!

در حالیکه، بعضی پناه برهن به تئوریهایی از دور خارج شده سرمایه داری، انقلاب کشاورزی ایران باید از طریق واگذاری زمین بدهقانان (بر اساس اصل عدم مالکیت خصوصی بر زمین در اسلام) و بسپگیری شمارهای «هر کس باندازه کارش» (لیس لانتان الی ماسعی) و «الزوع للزراع ولو کان غاصباً» تحقق یابد. روند انقلاب کشاورزی را میتوان بصورت زیر برشمرد:

۱- زمینهای قابل کشت در اختیار کشاورزان قرار گیرد، بهره مالکانه از باب حذف گردد و وسائل مکانیزه کشاورزی نیز برایشان و یا با اجاره کم، برای آنها تهیه شود، تار و روستائینی که بهوای درآمد بیشتر و وسائل رفاهی بهتر، آواره شهرها شده، و در کارخانههای استعماری مونتاژ مشغول بکارند، با علاقه بروستا بازگردند و در درون شرکتهای تعاونی و زیر نظر شوراهای واقعی روستائی و بسا کسک همه جسانیه دولت مشغول بکار کشاورزی شوند و ایران را از لحاظ تولیدات کشاورزی بخودکفائی برسانند. و گرنه عنوان شعار «بسازگشت بروستا» توسط جهاد سازندگی و فرستادن دانشجویان و تحصیل کرده شهری بروستا جهت آباد کردن ده - در حالیکه روستائیان خود آواره شهرند - نمیتواند کار ساز باشد. کار را باید بخود روستائیان سپرد، و گرنه سه اعزاز جوان شهری بدهد، روستائی را تحت تأثیر سرو بزرگ جوان شهری و جاذبههای کاذب شهری بودن، بیشتر راغب بنهر خواهد کرد و بهوای این جاذبهها، آواره شهر خواهد نمود.

۲- تجدیدنظر در بودجه کشاورزی و هماهنگ ساختن آن با نیاز مندیهای این بخش، لازم بتذکر است که امسال بودجه اختصاصی دولت برای صنایع مونتاژ، چندین برابر بودجه کشاورزی بوده است!

۳- دایر کردن زمینهای بایر و موات جهت بالا بردن سطح زیر کشت

۴- حذف واسطهها، بازرگانان و سرمایه داران رباخوار از روستا

۵- الغاء اقساط زمین و کلیه تضییقات مادی دیگری که رژیم پیشین بر دهقانان تحمیل کرده است

۶- ایجاد صنایع سنگین که نخستین شرط مکانیزه نمودن کشاورزی است

۷- حل مسئله آب از طریق سرمایه گذاری دولت در ایجاد سدهای کوچک و بزرگ، ایجاد شبکههای آبیاری، تعمیر و احیاء قنوات، حفر چاههای عمیق و نیمه عمیق و شیرین کردن آبهای شور

۸- تجدیدنظر در سازمان کشاورزی کشور و حذف عناصر وابسته به رژیم پیشین از بستهای حساس

۹- نوسازی روستا، احداث جادههای روستائی و تأمین خدمات آموزشی و بهداشتی در روستا.

حسین اولیاء

پیام دکتر پیمان

«بنام خدا»

خواهران و برادران عزیز - دانشجویان مبارز وقتی پیام امام خمینی رهبر بزرگ انقلاب را در مدرسه حکیم نظامی می شنیدیم که هر جمله آن دعوتی بود برای اتحاد، برای مبارزه با دشمنان

مشترک انقلاب و ختنی کردن توسطه های ضد انقلاب و امپریالیزم برای نابود کردن مزدوران استعمار و محو پایگاههای دشمن و آزاد کردن کشور از وابستگی به امپریالیسم دعوتی بود برای تداوم انقلاب تارهای کامل خلق محروم و زحمت کش ما از فقر، اسارت و استعمار، دعوتی بود به ادامه تلاش خستگی ناپذیر جهت ایجاد یک پیوند و اتحاد اصولی بر محور انقلاب اسلامی

خلق و مبارزه با تثلیث شوم استبداد، استعمار، استعمار امیدوارتر شدم، امیدوار که موانع راه وحدت نیروهای مبارز و مؤمن به انقلاب و رهبری، از میان برداشته شود و سرنوشت انقلاب از بازبهای سیاسی و قدرت طلبانه و فرصت طلبانه جرتومه های فساد و ضدانقلابی ارتجاع، لیبرالیسم و سرمایه داری وابسته آزاد گردد و در دست توانای انقلابیون صادق و مسلمانان راستین قرار گیرد. رهبر انقلاب در این سخنرانی در ادامه مبارزه با امپریالیزم به سرکردگی آمریکا

در ادامه مبارزه برای تصفیه مزدوران استعمار و وابستگی به آنها در ارتش و سازمانهای مختلف مملکتی در ادامه مبارزه برای رهایی خلق محروم تأکید کردند و بارها و بارها بر ضرورت اتحاد همه مبارزان متحد و صادق پافشاری و اصرار نمودند. اکنون می بینیم که ابتکار انقلابی شما برادران عزیز راه را برای تحقق خواسته های وحدت طلبانه امام هموار کرده است می بینیم شما با اقدام خود زمینه های عینی و اصولی نیروهای مبارز را عملاً مشخص و مورد تأیید قرار داده نه جدا و مستقل از وابستگیهای غیر اصولی به کشتی انقلاب که زیر فشار سنگین ارتجاع و لیبرالیسم ساز شکار از حرکت بازمانده بود

شتاب و توان تازه دادید. با حرکت جالب خود فریاد و خواست قلبی توده ها را به مبارزه واقعی و نه سازش و نه شعار گونه با قدرتهای استعماری بر پایگاههای آن منعکس ساختید.

فریادی که از صیخ فردای انقلاب برای مبارزه با سرمایه داری وابسته و تصفیه ارتش و مؤسسات دولتی و لغو قراردادهای وابستگی سر داده شد، اما از طرف مسئولین امر ناشنیده ماند شما برادران و خواهران مبارز آگاه بر نکته ای تأکید می کنید که گره سرنوشت ساز انقلاب ماست یعنی تکیه بر تصمیم، و قدرت توده ها بجای امید بستن به قدرتهای پول و زور که راه و رسم لیبرالها و مرتجعین است. شما به حق پیرو امام خمینی هستید زیرا به قدرت و تصمیم توده ها ایمان دارید و چشم امید به آنها دوخته ادامه راه را به تصمیم و همت آنها واگذار کرده اید. من برای نقطه نظرهای انقلابی و مکتبی شما ارج بسیار قائلم. اکنون موقع آن است که گام بزرگ و انقلابی بعدی را بردارید و زمینه را بطور عینی برای ایجاد یک جبهه بزرگ مبارزه علیه امپریالیزم، لیبرالیزم، ارتجاع و سرمایه داری وابسته بردارید جبهه ای که با رهبری امام و با شرکت میلیونها توده انقلابی و در خط حرکت مکتبی می تواند بزرگترین حماسه تاریخ را به ثمر رساند و گور کن امپریالیزم، استبداد و استعمار باشد. مطمئن هستم ایمان، صداقت و روشن بینی شما و آزاد بسودن از وابستگیهای غیر اصولی به شما امکان پیشبرد این هدف مقدس را میدهد.

برادران و خواهران موقع آن است که همه نیروهای انقلابی مسلمان و مؤمن به انقلاب اسلامی را برای اتحاد در جبهه متحد مبارزه علیه امپریالیزم، ارتجاع، لیبرالیزم و سرمایه داری وابسته به رهبری امام خمینی دعوت به همکاری کنید و خود در این راه پیشقدم شده تسریبات

بقیه از صفحه ۶ خشم انقلابی در برابر

نهادها و عناصر تصفیه نشده ارتش و عتال ارتجاعی و در حل مسائل ملیتها و... بهروتنهای محافظه کارانه و نسیروهای ملاحظه کاری و ممانعت بسنده کنند. سرانجام عاقبتی بهتر از دولت در پیش ندارد و بار دیگر این توده ها هستند که خود تعیین می کنند چه کسانی صلاحیت «رهبری» را دارند یا ندارند.

اینک نوبت امریکا است...

دانشجویان مسلمان در اشغال ستاد جاسوسی امپریالیسم آمریکا، بار دیگر خواست توده های محروم و مستضعف ایران را اعلام داشتند، که تا ناپودی کامل امپریالیسم و قطع کامل روابط با آمریکا و برچیدن مناسب سرمایه داری که پایه های نظام استعماری و ارتجاعی را فراهم می سازد، نهضت انقلابی خلق مسلمان همچنان ادامه دارد، و مفهوم کامل استقلال زمانی تحقق عینی می یابد که ما سلطه اقتصادی - سیاسی و فرهنگی سرمایه داری جهانی و وابستگی و حامیان آنان را در داخل نابود سازیم. هنگامیکه صنایع و کارخانجات ما وابسته به غرب باشند و ما همچنان یک کشور صنعتی وابسته با صنایع مونتاژ و صنعتی شدن مصنوعی، باقی بمانیم و مدیریت این کارخانه ها در دست سرمایه داران سلید و مستکی به امپریالیسم و جیره خوار نظام سرمایه داری جهانی، باقی باشد، هنگامیکه تحول بنیادی در اصول و بسترنامه های اقتصادی در جهت آزمانهای انقلاب اسلامی صورت نپذیرد، به یقین ناپودی امپریالیسم آمریکا تنها در گفتار و در شعارها بساتی خواهد ماند. ناپودی امپریالیسم در ناپودی منافع آن خواهد بود.

امپریالیسم یک فرد و یا تنها یک کشور و یک حکومت خاص نیست، امپریالیسم یک نظام است، یک نظام سلطه گر جهانی، مقاومت و مبارزه با آن هم تنها در تحقق یک نظام و آنهم نظام بی طبقه توحیدی و مقابله با آن و ناپودی اش تنها در بسپشرد و جایگزینی چنین نظامی امکان پذیر است. در این راه باید فرهنگ وابسته و ذفینت وابستگی و خود را هیچ و کوچک انگانند و... را از ذهن توده ها با آگاهی بخشیدن به آنان از بین برد، تا زمینه برای رشد استعدادهای و خلاقیت انسانی فراهم شود.

اینک که دانشجویان مسلمان با حرکت اعتراضی و انقلابی خود، قدر قدرتی امپریالیسم آمریکا را در هم شکسته اند، بار دیگر قدرت انقلابی خلق را باور کنیم و با اتحاد خلقی و قبول اصول انقلابی به توده های مستضعف، بپا خواسته در راه خدا و تحقق نظام توحیدی ایمان آوریم. که از این راه می توان از همه وابستگیها بیرون آمد و انسان طراز مکتب شد. دانشجویان مسلمان با حرکت انقلابی خود در فتح لانه جاسوسی آمریکا، این خواست خلق را به همه روشنفکران متعهد و صاحبان اندیشه اعلام داشته اند. اینک باید بسپگیری این راه را بدون کوچکترین کوتاهی و جبران مشکلات و کمبودهای گذشته، امکان پذیر ساخت.

در این راه «قانون اساسی» ما، که باید منشور انقلابی خلق باشد مهم ترین نقش را دارد. قانون اساسی نباید از یک محتوای کاملاً انقلابی برخوردار باشد و منطق با آرمانهای انقلاب گردد. قانون اساسی باید در اقتصاد و سیاست و فرهنگ و اصول و ضوابط اجتماعی و... حاوی اصولی که جامعه را در راستای یک نظام و جامعه بی طبقه توحیدی، که لاجرم در تضاد اصولی و در اصول در تضاد با نظام امپریالیستی است، باشد. ذکر این نکته ضروری است که متأسفانه چنین جهت گیری در مجلس خبرگان دیده نمی شود و اکنون با جسو ضد امپریالیستی که جامعه و توده های انقلابی نمودار ساخته اند، این خیانت به آرمانهای خلق و خواست انقلابی آنها است، اگر منشوری بنام قانون اساسی بتصویب برسد، که عاری از محتوای ضد امپریالیستی و ضد سرمایه داری جهانی باشد، عملی و مقدمات آن را فراهم سازید. برادران و خواهران شما در جنبش مسلمانان مبارز و شخص من با تمام قوا از ابتکار عمل شما در تحقق ندای همیشگی امام برای وحدت حمایت می کنیم و آماده هر گونه همکاری با شما هستیم.

حسین الله پیمان
۵۸/۱۴ آبان

بقیه از صفحه ۴

بقیه از صفحه ۴

بقیه از صفحه ۴

بقیه از صفحه ۴

بقیه از صفحه ۴

بقیه از صفحه ۴

بقیه از صفحه ۴

بقیه از صفحه ۴

بقیه از صفحه ۴

بقیه از صفحه ۴

بقیه از صفحه ۴

بقیه از صفحه ۴

بقیه از صفحه ۴

بقیه از صفحه ۴

بقیه از صفحه ۴

بلکه خدای ناکرده زمبتهای گردد، تارشد دوباره نظام سرمایه داری و استعماری فراهم شود. این خیانت به آرمانهای توده محروم و مستضعف است، اگر قانون اساسی، بجای کوتاه کردن دست فئودالها و سرمایه داران، زمینه و راه جپاول و غارتگری آنان را باز سازد، این خیانت به خلق مسلمان و انقلابی است که اگر قانون اساسی بجای منشور رهائی و آزادی، فرمان بندگی و بردگی آنان شود

باید هوشیارانه عمل کرد و آگاه بود که اصول قانون اساسی آینده انقلاب و جهت گیری آن را مشخص می سازد. آینده مبارزه ضد امپریالیستی و چگونگی ناپودی، با سازآوری آن در اصول و چگونگی قانون اساسی مشخص و معین می شود. نمایندگان مجلس خبرگان باید فریادهای رزمنده خلق را بگوش بگیرند که چگونه این مستضعفین بپا خاسته در سرنوشتی نظام ناهی، سرنوشتی نظامی را جستجو می کنند، که وابسته به سرمایه داری جهانی است، و در شعار «سرگ بر شاه» سرگ امپریالیسم را می طلبد و حاکمیت نظامی را که تا به آخر بپارزه و مقاومت علیه سلطه امپریالیسم جهانی، بسرکردگی آمریکا، باقی بماند.

نمایندگان مجلس خبرگان باید به خواسته های خلق مسلمان احترام بگذارند و در تحقق آن خواسته ها، جهت گیری قوانین اساسی را، بتصویب برسانند. آنچنان که رهبر انقلاب در جهت خواسته های همین توده های محروم و مستضعف در مقابل مستکبرین و سرمایه داران ضد خلق، قیام نموده است.

نمایندگان مجلس خبرگان باید بسند بگیرند، که چگونه خلق انقلابی با آرمانها و خواست انقلابی، تحمل سیاست های سازشکارانه لیبرالیسم را نکند، همچنان تحمل و قبول آئین ناسامه و قسوانیتی را نخواهد داشت، اگر در جهت منافع سرمایه داران باشد و باز گشای استعمار نوین. که این خلق هوشیار است و هوشیارانه در مقابل هر سدی که تداوم انقلاب را باز دارد و به جهت انقلابی خشنده وارد سازد، و مرتجعانه عمل کند، ایستادگی و مقاومت خواهد نمود. تا دیر نشده است «قانون اساسی» را اعلام نمایند که پایه های مبارزه ضد امپریالیستی و محور کامل استعمار انسان از انسان را بپایان نهد. و خواهان نظامی باشند که از حقوق دانشجویان مسلمان، این فاتحین مفر جاسوسی امپریالیسم آمریکا و افتاء گران لیبرالیستهای سازشکار و ارتجاع حافظ منافع امپریالیسم، برمی آید، نظامی که ضد استبداد، ضد استعمار و ضد استعمار است و بسا ایمان به انسان خداگونه، برضد هر گونه استحار برمیخیزد، یعنی نظام «قط» اسلامی، نظام بی طبقه توحیدی.

بقیه از صفحه ۴

بقیه از صفحه ۴

بقیه از صفحه ۴

بقیه از صفحه ۴

بقیه از صفحه ۴

بقیه از صفحه ۴

بقیه از صفحه ۴

بقیه از صفحه ۴

بقیه از صفحه ۴

بقیه از صفحه ۴

بقیه از صفحه ۴

بقیه از صفحه ۴

بقیه از صفحه ۴

بقیه از صفحه ۴

بقیه از صفحه ۴

بقیه از صفحه ۴

بقیه از صفحه ۴

بقیه از صفحه ۴

تا برقراری جامعه بی طبقه توحیدی نهضت ادامه دارد

خلاصه‌ای از پیامهای دانشجویان مسلمان پیرو امام

اطلاعیه شماره (۱)

انقلاب ایران موقعیت امریکا را در ابعاد سیاسی، اقتصادی و استراتژیکی، در منطقه پسر زده است. امریکای خونخواری که دهها سال شیره جان ملت ما و ملتها را مکیده و بر آن زندگی کرده ناگزیر است برای بدست آوردن و حفظ منافع خود دست به تلاشهای مذبوحانه جدیدی بزند که از جمله نقش ژاندارمی دادن به مصر و بازی مهره‌های نظامی در کره جنوبی و یا سعد حادهای جنایتکار در جنوب لبنان و حرکات و یورشهای سنگین اسرائیل و ... و توطئه‌های مختلف بر علیه انقلاب ایران را در داخل و خارج از کشور می‌توان نام برد. ما دانشجویان مسلمان پیرو امام خمینی از موضع قاطعانه امام در مقابل امریکای جهان‌خوار به‌منظور اعتراض به سیاستهای امپریالیستی و صهیونیستی، سفارت جاسوسی امریکا در تهران را تصرف در آورده‌ایم تا اعتراض خویش را بگوش جهانیان برسانیم.

اطلاعیه شماره (۲)

با غریب‌های اله اکبر و لاله الاالله و پاشعراهایی مبتنی بر تحکیم پیوندان با رهبر انقلاب امام خمینی پناه افشاده‌ایم و سفارتخانه امریکا این لانه جاسوسان و جنایتکاران و پایگاه هلمزها و سولیوان‌ها مکانی که تمام توطئه‌ها و دسیسه‌های قبل و بعد از انقلاب پسر غلیه خلق مستضعف ایران از آنجا سرچشمه گرفته است را تصرف در آورده‌ایم.

اطلاعیه شماره (۳)

۱۳ آبان سالروز تجاوز و حشیانه مزدوران امریکایی به دانشگاه است. یک سال پیش در چنین روزی مهاجمان مزدور شاه خائن بدستور اربابان امریکایی که گوشتا خاک ما را نیز خانه خود می‌پنداشتند، به‌خانه ما، خانه استقلال و اسلام یعنی دانشگاه حمله کردند و جوانان تکبیر گوی ما را به‌نهادت رساندند. آنها در خاک ما به‌امن پسر می‌بردند و ما در خانه خود امان نداشتیم. اکنون پس از یکسال، بر خود دریغ داشتیم که خفاشان خونخوار و دسیسه‌گر را ببینیم که آزادانه در لانه خویش خزیده‌اند و همچنان به‌توطئه مشغولند. آخر چگونه مزدوران توطئه‌گر را در میهن خود در امان ببینیم در حالیکه کشورشان امانگاه دشمن و قاتل صدها هزار خواهر و برادر در خون خفته‌مان، شاه جنایتکار میباشد.

اطلاعیه شماره (۴)

براستی موقعی که دشمن اصلی انقلاب شناخته شود و لبه تیز حملات بنیست وی متوجه گردد، چه خوب و هرمان راستین انقلاب و مؤمنین بهره‌بر می‌یابند و به‌وحدت عمل می‌رسند.

اطلاعیه شماره (۶)

امپریالیسم غرب به‌سرکردگی امریکا که با پیروزی انقلاب سرخ و اسلامی ایران ضربات مهلکی خورده است، از تمام امکانات خویش بهره می‌جویند تا حرکت تکاملی انسان بسوی خدا را که در مبارزات ضد امپریالیستی و ضد استعماری خلقهای مستضعف تجلی یافته است، کند و یا متوقف نماید و در همین رابطه است که سفارتخانه‌های امریکا بصورت لانه توطئه‌های عمال سیا علیه آزادیخواهان کشورهای مختلف درآمده‌اند و چنین است که می‌بینیم پس از مبارزات پیروز مند ملت قهرمان بلافاصله چند کودتا در السالوادور - کره جنوبی - بولیوی توسط عمال سیا طرح و اجرا میشود.

اطلاعیه شماره (۷)

آری خواهران و برادران مسلمان بیابید دست در دست یکدیگر دشمن اصلی خود را که امریکاست بشناسیم و تا قطع کامل سلطه سیاسی و اقتصادی و نظامی امریکا به‌مبارزه خود بهره‌بر می‌امام ادامه دهیم.

اطلاعیه شماره (۸)

با اینکه در این مقطع حساس، تنها حمایت بیدریغ و انقلابی شما ملت عزیز میتواند این حرکت اصیل اسلامی و انقلابی را غنای توده‌ای بخشد و سردمداران سیاست گام بگام را به‌اتخاذ سیاستی انقلابی در جهت خواست اکثریت قاطع ملت مستعبد ایران که همانا قطع رابطه‌های ظالمانه امریکا با ایران و نیز قطع وابستگی‌های نظامی، سیاسی، اقتصادی که تجلی آن در اخراج مستشاران امریکایی و لغو قراردادهای دو جانبه ایران و امریکا و نیز نابودی نظام سرمایه‌داری وابسته است و دارد، در این شرایط حساس زمانی هر گونه رابطه و اقدام در جهت تعطیل مدارس و دانشگاهها را در حمایت از این حرکت تکذیب می‌کنیم.

اطلاعیه شماره (۱۲)

انسان در حرکت تاریخی خویش و در مسیر رشد و کمال بسوی الله تجربیات بسیار آموخته است اما تا کنون هیچیک از روشهای ارائه شده در جوامع غربی و شرقی نتوانسته است نیاز انقلابی انسان را پاسخگو باشد. در غرب کوشش برای برپائی جامعه‌ای آزاد از تمدن غربی لجام گسیخته و عاری از هر ارزش انسانی سر در می‌آورد و در شرق از جهت برای استقرار جامعه‌ای مبتنی بر برابری به‌دیکتاتوری حزبی میرسد اما از حرکت باز نمی‌ایستد و راه می‌جوید، راهی که عصیان و عطش او را جواب گو باشد و او را به‌راه پیام‌آوران ابراهیمی، این‌جسوبانان می‌بوت، کشاند. و آنچنانکه معلم شهید انقلابان دکتر علی شریعتی می‌گوید، این راه، راهی است که عرفان - برابری - آزادی در آن، سه بُعد جدانشدنی هستند، اینک انسان آموخته است که آزادی بدون عدالت و قناعت است و عدالت بی‌آزادی، برابری مکانیکی و عدالت و آزادی بی‌تکیه بر عرفان ناممکن. و اینچنین است که انقلاب اسلامی خلق قهرمانان تجربه‌های تازه می‌گردد و معنویت و عدالتخواهی آزاد منشی را بعنوان ابعاد لاینفک حرکت اجتماعی خویش می‌پذیرد.

معنویت را در احساس شعور آگاه حاکم بر جهان - که مبین چرایی تکامل و انگیزه‌ایثار در راه خلق است. در نسل جوان، و در نهادهای، ایثار، توکل، صبر، اعتماد بنفس و بازگشت به‌خویشتن خویش خلق قهرمانان می‌بینیم.

عدالتخواهی را در کوشش مستضعفین جامعه‌مان برای نفی بهره‌کشی مستکبرین و کوشش در جهت برپائی جامعه‌ای توحید و مبتنی بر قسط مشاهده می‌کنیم.

و آزادیخواهی را در آزادی‌انقلابان که در خطرناکترین فراز و نشیبها نیز، بعنوان نموده، نفی آزادی بیان و آزادی عقیده را نمی‌پذیرد، می‌بینیم.

نخستین پیام

«بنام خدا»

پیام به‌رزمندگان مسلمانی که لانه جاسوسی «سیا» را اشغال نموده‌اند

امریکا لغو شود.

خواهران و برادران مبارز

شما با این حرکت انقلابی خود پسر دیگر گفته امام را که «روابط سیا امریکا را می‌خواهیم چه کنیم؟» مستحکم‌تر اعلام نموده‌اید که خلق مسلمان ایران خواهان قطع کامل روابط با امپریالیسم امریکا است. درود پسر شما فرزندان مسلمان که ماهیت ضد امپریالیستی اسلام را در مبارزه علیه امپریالیسم امریکا، عیان ساختید.

پیروز باد انقلاب اسلامی ایران

بهره‌بر می‌امام خمینی

مرگ بر امپریالیسم امریکا

جنبش مسلمانان مبارز

۵۸/آبان/۱۳

امپریالیسم را افشاء نمودید و آنان را در تنگنا قرار داده‌اید.

امریکایی جنایتکار باید شاه فراری را به‌دادگاههای انقلابی ایران تحویل دهد. تا خلق ما این بزرگترین جنایتکار تاریخ را بمحاکمه کند.

امریکا باید بداند که توطئه‌هایش علیه انقلاب ایران و همراهیش با صهیونیسم اسرائیل و کشتار خلق محروم جنوب لبنان و فلسطین، را ما با تداوم حرکت انقلابی خود نابود خواهیم کرد. این اسلحه‌های امپریالیسم امریکا بود که بسوی فرزندان خلق ایران نشانه رفت و اینک باید خرید کلیه این سلاحها ممنوع و تمامی قراردادهای ضد مردمی با

اشغال مقر امپریالیسم جانخوار امریکا، بدست پرتوان شما، نشانه اعتراض و نفرت عمیق مردم ایران از اعمال جنایتکارانه امپریالیسم امریکا است. این امریکا حامی شاه جنایتکار است که باعث شکنجه و کشتار عزیزترین فرزندان انقلابی ما شد.

شما با اشغال لانه جاسوسی «سیا» و مقر طرح نقشه‌های شوم ضد انقلابی و ضد مردمی، بار دیگر پیام شهادی به‌خون خفته خلق مسلمان ایران را بگوش جهانیان رساندید. که تا نابودی کامل امپریالیسم جهانی، پسرکردگی امریکا، نهضت انقلابی ما ادامه دارد.

شما با این حرکت انقلابی خود چهره لیبرالیست‌های سازشکار و ارتجاع حامی



دومین پیام به‌خواهران و برادران مسلمان مستقر در سفارت امریکا

تأکید قرار دادید.

ما همیشه بر این اعتقاد بوده‌ایم که مبارزه

علیه امپریالیسم جز به‌همت خلق و بسیج

توده‌های مستضعف موفقیت ندارد و مبارزه

علیه امپریالیسم از مبارزه با سرمایه‌داری

وابسته و ارتجاع و لیبرالیسم سازشکار جدا

نیست. مبارزه با امپریالیسم از تغییر مناسبات

درونی ارتش، تصفیه کلی سازمانها و

مؤسسات از مزدوران و عناصر وابسته

به‌استعمار جدا نیست. امپریالیسم، انقلاب ما

را بوسیله این عوامل مزدور و بوسیله

فتوادلها، شیوخ، خوانین، افسران و فرماندهان

وابسته و فرصت‌طلبانی که جنگ داخلی را

دامن می‌زند، بوسیله سرمایه‌داران غارتگر و

دلال صفت، بحران اقتصادی و بیکاری را

تشدید و زحمتکشان را استثمار می‌نمایند،

توسط ارتجاع و لیبرالیسم راه‌حل‌های

سازشکارانه را تحمیل و سنگ جلو حرکت

انقلابی توده‌ها بهره‌بر می‌افکنند.

می‌کشند خلق را از صحنه مبارزه خارج

و بی‌تفاوت ساخته انقلاب را در مسیر

تمایلات فرصت‌طلبانه و در جهت تأمین منافع

سرمایه‌داری و وابستگی مجدد به‌امپریالیسم

سوق دهند.

اقدام انقلابی شما این توطئه‌ها را فاش و

راه دست مبارزه را قرار داد خلق، راهی که از

میان توده‌ها و بدست توانا و گامهای استوار

آنان طی خواهد شد، قرار داد.

خواهران و برادران مبارز،

اقدام انقلابی شما در اشغال لانه استعمار

«سفارت امریکا» و حمایت فوری و بیدریغ

مردم و رهبر انقلاب و همه نیروهای انقلابی

از این عمل قاطع خط‌بطلان بر سیاستهای

سازشکارانه و غیرانقلابی لیبرالهای حاکم و

ارتجاع کشید، و رأی ملت را دایر بر

محکومیت روشهای گام به‌گام و تکیه بر

قدرت بجای تکیه بر توده‌ها صادر کرد.

امام خمینی بکسک توده‌های مستضعف

شاه دیکتاتور را از کشور بیرون راند و مسلم

بود که مرحله دوم انقلاب یعنی شکست دادن

امپریالیسم و پایگاه داخلی آن بدون کمک

خلق میسر نیست.

دنبال کردن روشهای محافظه‌کارانه و

بکسک سرمایه‌داران و معاملات سیاسی و

ملاحظه‌کاری در برابر امپریالیسم

نمی‌توانست حاصلی جز شکست برای ملت

در برداشته باشد.

خواهران و برادران مبارز

شما با عمل متهورانه خویش مبارزه

انقلابی خلق را علیه امپریالیسم، وارد مرحله

تازه‌ای کردید. سیاست سازشکارانه لیبرالیسم

و ارتجاع را رسوا و ضرورت درهم کوبیدن

پایگاه امپریالیسم را در داخل کشور مورد

ما غالب شما را فرد فرد می‌ستائیم و

به‌صداقت شما ایمان داریم و امید خلق و رهبر

خلق به‌جوانان پرشور و آگاهی نظیر شما است

که با آگاهی و ایمان به‌مکتب انقلابی اسلام و

با صداقت و شور انقلابی همراه و پیشاپیش

خلق مستضعف راه آزادی و استقلال واقعی

را گشوده جاده را برای استقرار نظام توحیدی

هموار کنید، و تا نابودی پایگاههای داخلی

امپریالیسم امریکا و محو کامل مناسبات

استعماری، نهضت انقلابی را ادامه خواهیم

داد.

نابودباد پایگاههای امپریالیسم

(سرمایه‌داری وابسته، ارتجاع، لیبرالیسم)

مرگ بر امپریالیسم امریکا

پیروز باد انقلاب اسلامی ایران

بهره‌بر می‌امام خمینی جنبش مسلمانان مبارز

۵۸/آبان/۱۳

لطفاً وجه نشریه امت را به‌حساب جاری شماره ۴۰۰ بانک صادرات شعبه تخت‌طاوس روزرت واریز نماید

هفته نامه امت شماره ۳۱

چهارشنبه ۲۳ آبان

۱۳۵۸ سال اول

زیر نظر:

شورای نویسندگان امت

خیابان بهار شمالی نیش خیابان نامجو

۸۲۴۹۸۴ - ۸۲۴۸۳۱

جانب شرکت امت - سه‌ماهه عام